

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ضمیمه

قرآن و تعلیمات دینی (۲) و (۳)

دین و زندگی

سال‌های دوم و سوم دبیرستان

ویژه‌اهل سنت

وزارت آموزش و پرورش

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

برنامه‌ریزی محتوا و نظارت بر تألیف: دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی

نام کتاب: ضمیمه قرآن و تعلیمات دینی (۲) و (۳) دین و زندگی سال‌های دوم و

سوم دبیرستان (ویژه‌اهل سنت) - ۲۲۲/۱ و ۲۵۱/۱

آماده‌سازی و نظارت بر چاپ و توزیع: اداره‌کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی

تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)

تلفن: ۹-۸۸۸۳۱۱۶۱، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کدپستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹

وبسایت: www.chap.sch.ir

صفحه‌آرا: خدیجه محمدی

طراح جلد: مهدی کریم‌خانی

ناشر: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران: تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروبخش)

تلفن: ۵-۴۴۹۸۵۱۶۱، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۱۳۹-۳۷۵۱۵

چاپخانه: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»

سال انتشار و نوبت چاپ: چاپ سوم ۱۳۹۰

حق چاپ محفوظ است.

شابک ۹-۱۶۲۷-۰۵-۹۶۴-۰۵-۱۶۲۷-۹ ISBN 964-05-1627-9



در جمهوری اسلامی، همه‌ی برادران سنّی و شیعه
در کنار هم و با هم برادر، و در حقوق، مساوی هستند،
هر کس خلاف این را تبلیغ کرد دشمن اسلام و ایران
است.

امام خمینی «قدّس سرّه الشّریف»

فهرست

بخش اول

۱ ضمیمه‌ی قرآن و تعلیمات دینی (۲) ویژه‌ی اهل سنت

۲ درس شانزدهم: کار در نظام اقتصادی

بخش دوم

۱۴ ضمیمه‌ی قرآن و تعلیمات دینی (۳) ویژه‌ی اهل سنت

۱۵ درس ششم: حکومت اسلامی، پس از رسول خدا (ص)

۲۳ درس هفتم: ویژگی‌های حکومت اسلامی

۳۰ درس هشتم: خلفای راشدین

۴۱ درس نهم: دنیای اسلام پس از خلفای راشدین

۴۷ درس دهم: امت واحده

۵۵ درس یازدهم: احکام اسلامی

۶۹ درس دوازدهم: آینده‌ی تاریخ

پیش‌گفتار

سخنی با دبیران و دانش‌آموزان

دبیران و دانش‌آموزان عزیز کتابی که هم‌اکنون در دست دارید شامل مطالب ضروری مربوط به اصول و فروع دین از دیدگاه علما و فقهای اهل سنت و احکام ویژه‌ی این مذهب است. مطالب این کتاب به جای بخش اختصاصی کتاب درس بینش اسلامی برای دانش‌آموزان اهل تسنن تدریس می‌گردد. از آن‌جا که در کشور اسلامی ما، گروهی از دانش‌آموزان اهل تسنن در احکام و فروع دین پیرو مذهب امام اعظم ابوحنیفه و گروهی دیگر پیرو مذهب امام شافعی می‌باشند، از این‌رو، در کتاب درسی در موارد اختلاف، احکام بر مبنای نظرات فقهای هر دو مذهب بیان شده است. نکته‌ی قابل توجه در این‌جا این است که اختلاف نظر مجتهدین و ائمه‌ی مذاهب در مسائل فرعی و احکام، هرگز نباید موجب تفرقه و جدایی میان مسلمانان گردد. اختلاف نظر علمی و بحث‌های بدون تعصب و تنگ‌نظری برای روشن شدن حقیقت، کاری نیکو و پسندیده است. علما و روشنگران دینی باید بدون توجه به وسوسه‌های دشمنان اسلام و سخنان متعصبان جاهل، با دیدگاهی وسیع و سعه‌ی صدر به قرآن مراجعه نمایند و با توجه به آیه‌ی شریفه «فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ»؛ (نساء ۵۹)، اختلاف‌ها و درگیری‌های خود را با توجه به قرآن و سنت حضرت رسول حل نمایند.



بخش اوّل:

ضمیمه‌ی قرآن و تعلیمات دینی (۲)

ویژه‌ی اهل سنت



درس دهم

کار در نظام اقتصادی

در این درس می‌خواهیم به سه سؤال زیر بپردازیم:

- ۱- آیا انسان می‌تواند از هر راهی کسب درآمد کند؟
- ۲- ثروت‌های به دست آمده چگونه باید مورد استفاده قرار گیرد؟
- ۳- افراد جامعه نسبت به هزینه‌های عمومی و بهبود زندگی مستمندان چه وظیفه‌ای دارند؟

کار منشأ اصلی تولید ثروت

در بینش و تفکر اسلامی، کار خلاق و مولد، منشأ اصلی کسب مال و درآمد و کلید استفاده از منابع طبیعی و خدادادی است^۱. منطق فطرت هم برای پدید آورنده‌ی یک شیء حق تصرف در آن را می‌پذیرد و او را مالک می‌شناسد. به همین جهت، مالک اصلی و حقیقی همه‌ی موجودات خداست. رسول خدا (ص) می‌فرماید:

هر کس به آباد کردن زمینی که بی‌استفاده است بپردازد و شخص دیگری در این کار بر او سبقت نگرفته باشد، آن زمین از آن او خواهد بود.^۲

بنابراین، کار، باید مولد و خلاق باشد و نتیجه‌ی سودمندی داشته باشد تا بتوان نام «کار» بر آن گذاشت، در غیر این صورت کاری کاذب و دروغین است. یکی از بدترین بلاها برای هر جامعه روی آوردن به کارهای کاذب و دوری از کار مفید و مولد است، امری که پیشوایان ما به صراحت آن را منع کرده‌اند.

همین امر سبب شده که فقیهان و عالمان دین چنین کارهایی را مکروه بدانند و از مردم بخواهند از این راه کسب درآمد نکنند و از طریق کارهای تولیدی و پر ثمر، مانند کشاورزی، صنعت، آموزش، فعالیت‌های هنری و کارهای تجاری و خدماتی سودمند، زندگی خود را اداره کنند.



🌟 اکنون که دانستیم مبنای اصلی کسب درآمد، کار مفید، خلاق، هدفمند و با نیت سالم است، با این معیار جامعه‌ی خود را ارزیابی می‌کنیم:

۱- نمونه‌هایی از کارهای کاذب را نام ببرید و تأثیر آن را بر اقتصاد جامعه توضیح دهید.

۲- برای پیشرفت و سر بلندی کشور به چه کارهایی باید رو آوریم؟

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

۱- اقتصاد اسلامی، شهید دکتر بهشتی، صص ۱۹ و ۲۰

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۲۶

ربا، کاذب‌ترین کارها

پول وسیله‌ای برای مبادله‌ی کالا است. اگر این پول، خودش مستقلاً مورد معامله قرار گیرد، بدون این که فایده‌ای در کار باشد، ربا پیش می‌آید. برخی اشخاص مقداری پول را نزد خود انباشته می‌سازند و آن را به کسانی که نیاز دارند، قرض می‌دهند و بدون این که کاری انجام دهند یا در کار آن‌ها شریک شوند و خطر احتمالی را بپذیرند، با وام‌گیرنده شرط می‌کنند که پول بیش‌تری بازگرداند. این عمل سبب می‌شود کسانی بدون فعالیت و کار به ثروت‌های زیادی برسند و پول که باید در جامعه گردش داشته باشد، در دست عده‌ای خاص متمرکز شود. گروهی هم که ناچار می‌شوند از چنین کسانی پول بگیرند، روز به روز فقیرتر می‌گردند؛ زیرا اینان ناچارند علاوه بر پولی که قرض گرفته‌اند، درصد زیادی نیز که قرض دهنده درخواست کرده، بپردازند. ادامه‌ی این کار سبب می‌شود که نیازمندان جامعه نیازمندتر و رباخواران حریص‌تر و ثروتمندتر شوند و به طبقه‌ای استثمارگر تبدیل شوند. امروزه، سرمایه‌داران بزرگ جهان وام‌هایی با بهره‌های سنگین به کشورهای فقیر و نیازمند می‌دهند و چون آن کشورها توان پرداخت پیدا نمی‌کنند، ناچار می‌شوند معادن و ثروت‌های طبیعی خود را در اختیار آن سرمایه‌داران قرار دهند. به همین سبب جهان به دو قطب غنی و فقیر، ثروتمند و گرسنه، مسلط و زیر سلطه تقسیم شده است.

در عصر رسول خدا (ص) مردم عربستان به «ربا» آلوده بودند؛ تا این که از جانب خداوند دستور آمد این عمل را ترک کنند و به جنگ با خدا و رسول او (ص) بپردازند.

.....	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا
.....	اتَّقُوا اللَّهَ
آنچه از ربا باقی می‌ماند را رها کنید	وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا
.....	إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ
.....	فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا
با خدا و رسولش اعلان جنگ دهید.	فَأَذَّنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ
پس اگر توبه کنید	فَإِن تَابْتُمْ

فَلَكُمْ رُؤُوسَ أَمْوَالِكُمْ
لَا تَظْلِمُونَ
وَلَا تُظْلَمُونَ

سرمایه‌هایتان از آن خودتان

نه ستم می‌بینید.

بقره ۲۷۸ و ۲۷۹

قرآن کریم مردم را راهنمایی می‌کند که راه درست افزایش ثروت — آن‌گونه که برخی می‌پندارند — ربا نیست، بلکه پرداخت زکات و انفاق است؛ زیرا با این کار، جامعه از فقر نجات می‌یابد و روحیه‌ی کار و شکوفایی اقتصادی شکل می‌گیرد و ثمرات و نتایج این شکوفایی به انفاق‌کننده باز می‌گردد.

وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رَبًّا
لِيَرْبُوَ فِي أَمْوَالِ النَّاسِ
فَلَا يَرْبُو عِنْدَ اللَّهِ
وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ
تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ
فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ

آنچه به‌عنوان ربا می‌پردازید

تا در اموال مردم فزونی یابد

مایه‌ی افزایش نزد خدا نیست.

و آنچه را به‌عنوان زکات می‌پردازید

که خشنودی خدا را طلب می‌کنید،

پس آنان (که چنین عمل می‌کنند) دارای

پاداش مضاعف‌اند.

روم، ۳۹

مشارکت کار و سرمایه

در هر فعالیت اقتصادی، دو عامل دخالت دارد: سرمایه و کار. با سرمایه و کار نوعی مشارکت اقتصادی به‌وجود می‌آید و سودی که نتیجه‌ی این فعالیت است، بنابر توافق قبلی، میان صاحب سرمایه و انجام‌دهنده‌ی کار تقسیم می‌شود.

برنامه‌ی اسلام در مورد ثروت و سرمایه، به کار گرفتن آن در تولید و سازندگی و توسعه و رفع فاصله‌ی طبقاتی است. آنان که ثروت اندوخته دارند، شایسته است آن را در بستر تولید و حیات اقتصادی به کار گیرند یا با کسانی که نیازمند سرمایه‌اند، شریک شوند، یا به‌صورت قرض‌الحسنه به

نیازمندان بدهند تا بتوانند به کار و تولید بپردازند.

سرمایه باید مانند خون در رگ‌های اقتصادی جامعه جریان داشته باشد و با گردش خود حیات جامعه را تأمین کند و عدالت اقتصادی را ممکن سازد.

وقتی سرمایه‌ی افراد با کار مهندسان، کشاورزان، کارگران، محققان، معلمان و استادان همراه شود، چرخ تولید به راه می‌افتد و ثروتی که از این راه به دست می‌آید باید براساس توافق قبلی و به عدالت میان صاحبان سرمایه و کار تقسیم شود. یکی از راه‌های برقراری عدالت، توزیع عادلانه‌ی سود حاصل از فعالیت اقتصادی میان دارندگان کار و سرمایه است. سودی که از این راه به صاحب سرمایه می‌رسد، نه تنها حلال و پاک است بلکه اگر با نیت الهی باشد، اجر و ثواب اخروی هم خواهد داشت.

بانکداری

در نظام اسلامی، بانک کانون مشارکت کار و سرمایه و محلی است که صاحبان پول و سرمایه، ثروت خود را بدان جا می‌سپارند تا در یک فعالیت اقتصادی مانند راه‌اندازی کارخانه، بنا کردن ساختمان و آباد کردن زمین کشاورزی به کار گرفته شود و سود حاصل از این کار، میان بانک و صاحب سرمایه تقسیم شود. همچنین بانک به عنوان صاحب سرمایه با افراد جامعه وارد مشارکت می‌شود و سرمایه‌ی خود را به صورت وام در اختیار آنان می‌گذارد و طی قراردادی با آنان در کار مشخصی مشارکت می‌کند. سرمایه‌ی بانک و کار افراد دست به دست هم می‌دهد و فعالیت اقتصادی شکل می‌گیرد. بانک سهم خود را به شخص وام‌گیرنده می‌فروشد و بهای آن را به صورت ماهانه دریافت می‌کند تا وام‌گیرنده توان پرداخت آن را داشته باشد.

بنابراین، اساس بانکداری در نظام اسلامی بر مشارکت بانک و افراد است. آنچه اهمیت دارد این است که بانک‌ها سود حاصل از مشارکت خود را عادلانه تعیین کنند تا افراد جامعه توانایی همکاری سازنده با بانک را داشته باشند.

قانون بانکداری که در مجلس شورای اسلامی تصویب شده و مبنای عمل بانک‌هاست، براساس مشارکت سرمایه و کار استوار است و از این جهت با مقررات مالی اسلام مطابقت دارد.

تأمین نیازهای عمومی جامعه

جامعه‌ی اسلامی هزینه‌هایی دارد که دو راه برای تأمین آن پیش‌بینی شده است :

الف - انفاق

هزینه‌های ناشی از خلأها و شکاف‌های موجود در جامعه مانند هزینه‌های مربوط به تأمین زندگی نیازمندان، مساکین، انسان‌های از کار افتاده، خانواده‌های بی‌سرپرست، تحصیل طلاب، دانش‌آموزان و دانشجویانی که از تمکّن کافی برخوردار نیستند، افراد مقروضی که توان پرداخت قرض خود را ندارند، از راه انفاق است. افرادی که از نعمت سلامتی و تمکّن مالی برخوردارند، بخشی از اموال و سرمایه‌ی خود را به شکرانه‌ی سلامتی و رفاه شخصی در راه خدا صرف امور خیریه و عام‌المنفعه می‌کنند.



🌟 همکاری و مشارکت در امور خیریه و تأمین هزینه‌های آن را بررسی کنید و به

دو سؤال زیر پاسخ دهید:

۱- این مشارکت چه آثاری بر انسان کمک‌کننده دارد؟

۲- این مشارکت چه تأثیری بر فرهنگ عمومی جامعه می‌گذارد؟

.....

.....

.....

انفاق بر دو نوع است: واجب و مستحب.

انفاق واجب نیز به دو صورت «زکات» و «خمس» انجام می‌گیرد.

۱- زکات: زکات در لغت به معنای پاکیزگی و رشد و نمو است و در اصطلاح شرعی به معنای

دادن مقدار معینی از مال خود به کسانی است که خداوند معین کرده است. قرآن درباره‌ی نحوه‌ی

مصرف زکات می‌فرماید:

همانا صدقات (زکات)	إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ
.....	لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ
و کارکنان گردآوری آن	وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا
و متمایل ساختن دل‌های غیرمسلمانان (به اسلام)	وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ

و فِي الرِّقَابِ
وَالْغَارِمِينَ
وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ
وَابْنِ السَّبِيلِ
فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ
وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

و آزاد کردن بردگان
و (پرداخت قرض) بدهکاران
.....
.....
.....
.....

توبه، ۶۰

بر مبنای این آیه هشت گروه مستحق دریافت زکات هستند :

۱- فقرا: کسانی که درآمدشان کفاف نیازمندی‌هایشان را نمی‌دهد و از این رو سزاوار کمک می‌باشند.

۲- مساکین: کسانی که نتوانند معاش خود را تأمین کنند و یا امکان آن را نداشته باشند، پس کودکان، افراد زمین‌گیر، پیران ناتوان، بیکاران و معلولین جزو مساکین هستند.

۳- عاملین زکات: کسانی که زکات را جمع‌آوری می‌کنند و به حساب و کتاب امور زکات رسیدگی می‌کنند.

۴- تازه مسلمانان (مطابق فقه حنفی تازه مسلمانان در صورتی مستحق زکات هستند که نیازمند باشند ولی در فقه شافعی محتاج و نیازمند بودن شرط نیست)

۵- برده‌ای که می‌خواهد آزاد شود.

۶- بدهکاران و ورشکستگان که قادر به پرداخت بدهی خود نیستند.

۷- ابن السبیل (در راه مانده): مسافری که مخارج برگشتن به وطن و شهر خود را ندارد.

۸- فی سبیل اللّٰه (در راه خدا): که از نظر فقه شافعی شامل هزینه کردن جهت برگزاری

جهاد و حج است. ولی در فقه حنفی علاوه بر دو مورد مذکور، پرداخت مخارج طلاب علوم دینی نیز جزو موارد فی سبیل اللّٰه است.

مواردی که زکات به آن‌ها تعلق می‌گیرد عبارتند از :

۱- طلا و نقره و نقدینگی (مانند اسکناس و...) و به میزان ۲/۵ درصد در سال (البته بعدها

اجماع مقرر کرد که از کالاهای تجاری هم به میزان ۲/۵ درصد در سال زکات گرفته شود که این

مسئله در مورد دریافت زکات از کارخانه‌هایی که کالاهای مختلف تولید می‌کنند نیز صدق می‌کند.)

۲- محصولات زراعی دیم به میزان ۱۰ درصد در سال

۳- محصولات زراعی آبی به میزان ۵ درصد در سال

۴- دام‌هایی که برای پرورش یا زراعت نگهداری می‌شوند مانند گاو، بز، گوسفند، شتر که میزان زکات آن‌ها با هم تفاوت دارد.

۵- معادنی که ملک شخصی هستند به میزان ۲۰ درصد در سال

۶- سبزیجات (این مورد مختص به مذهب حنفی و مطابق رأی امام ابوحنیفه می‌باشد).
لازم به یادآوری است که :

۱- زکات فقط مالیات نیست، بلکه همچون نماز، یک عبادت است و لازم است که با نیت و قصد تقرب انجام شود.

۲- زکات تنها به سود جامعه وضع نشده است، بلکه برای تکامل اخلاقی و تزکیه روحی شخص زکات‌دهنده نیز لازم است.

۲- **خمس**: یکی دیگر از راه‌های تأمین هزینه‌های عمومی جامعه اسلامی، خمس است که به یک پنجم غنائم به دست آمده از جنگ تعلق می‌گیرد. (البته در فقه حنفی علاوه بر غنائم، گنج^۱ و اموال عتیقه دفن شده (خمس رکاز) و همچنین معادن^۲ نیز مشمول این حکم می‌شوند.)
خمس غنائم برای مقاصد ذکر شده در آیه زیر به مصرف می‌رسد (البته بنا بر نظر اکثر اهل سنت، با وفات حضرت رسول (ص)، سهم ایشان حذف گردید.)

و بدانید هرگونه غنیمتی به دست آورید

یک پنجم آن برای خداست،

.....

.....

وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ

فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ

لِلرَّسُولِ

وَ لِلَّذِي الْقُرْبَىٰ

۱- البته هنگامی که به گنج، خمس تعلق می‌گیرد که آن گنج متعلق به دوران اسلامی نباشد، در غیر این صورت، یعنی اگر گنج به دست آمده، به مسلمانان پیشین تعلق داشته باشد، جزو اموال لقطه (گم شده) محسوب می‌شود.

۲- در مورد مواد استخراج شده از معدن نیز، توجه به دو نکته لازم است: اول این که، این مواد باید قابلیت ذوب شدن داشته باشند؛ دوم این که، این مواد به صورت مایع باشند، بنابراین، به مواد غیر قابل مذاب (مانند برخی سنگ‌های تزئینی) و مایعات (مانند نفت و...) خمس تعلق نمی‌گیرد.

وَ الْيَتَامَىٰ

وَ الْمَسَاكِينِ

وَ ابْنِ السَّبِيلِ

انفال، ۴۱

ب - مالیات

جمع شدن انسان‌ها به گرد یک‌دیگر و تشکیل اجتماعات کوچک و بزرگ، مانند روستاها، شهرها و کشورها هزینه‌هایی به دنبال دارد که باید توسط افراد همان جامعه تأمین شود. امروزه یک شهر مانند خانه‌ای بزرگ است و همان‌گونه که یک خانواده، هزینه‌های رفاهی خود در خانه را می‌پردازد، باید هزینه‌های رفاهی خود در شهر را نیز پرداخت کند. پس تأمین هزینه‌های شهری بر عهده‌ی همه‌ی شهروندان است.

علاوه بر هزینه‌های یک شهر، هزینه‌هایی وجود دارد که مربوط به زندگی در یک کشور است. ساخت راه‌های میان شهرها و روستاها، محافظت از جنگل‌ها و محیط‌های طبیعی، ایجاد امنیت و مانند این‌ها هزینه‌هایی دارد که افراد کشور در تأمین آن شرکت می‌کنند. پرداخت مالیات برای تأمین این‌گونه هزینه‌ها است. مالیات بخشی نیست که برای دیگران پرداخت می‌کنیم، بلکه بابت هزینه‌ی زندگی خود و خانواده‌ی خودمان در جامعه است؛ از این‌رو پرداخت‌کننده‌های مالیات نباید متنی بر کسی داشته باشند.



زکات و خمس با مالیات چه تفاوتی دارند؟ آیا می‌توان گفت که چون خمس و

زکات می‌دهیم، نیازی به پرداخت مالیات نیست؟

.....
.....
.....
.....
.....

نظام اسلامی وظیفه دارد خمس، زکات و مالیات را با روش مناسب و با حفظ حرمت شخص پرداخت کننده، از او دریافت کند و هرکدام را در جای خاص خود هزینه نماید و در آبادانی و سازندگی کشور بکوشد. حضرت علی (کرم الله وجهه) در نامه‌ای به مالک اشتر که از جانب ایشان حاکم مصر شده بود، چنین می‌نویسد:

برنامه‌ی مالیات را به گونه‌ای رسیدگی کن که به صلاح مالیات‌دهندگان باشد، زیرا بهبودی و صلاح دیگران در صلاح مالیات و مالیات‌دهندگان است، و کار دیگران سامان نیابد مگر آن که کار مالیات‌دهندگان سامان پذیرد، چرا که همه‌ی مردم جیره‌خوار مالیات و مالیات‌دهندگان هستند. اما باید پیش از آن چه به جمع مالیات بیندیشی، در فکر آبادی زمین باشی، زیرا مالیات جز از طریق آبادی زمین به دست نیاید، و هرکس بدون آباد کردن زمین مالیات طلب کند، شهرها را ویران و بندگان را هلاک سازد، و حکومتش جز اندک زمانی پایدار نماند.^۱



- ۱- چه انگیزه‌ای سبب می‌شود که برخی به راحتی زکات، خمس و مالیات بپردازند ولی برخی دیگر از انجام دادن این وظایف دینی سر باز زنند؟
- ۲- آیا عواملی را می‌شناسید که موجب بی‌توجهی مردم به پرداخت مالیات شود؟

برای مطالعه

- ۱- فروختن مال غصبی باطل است و فروشنده باید پولی را که از خریدار گرفته به او برگرداند.
- ۲- غش در معامله حرام است و فروشنده باید کالای خود را با همان مشخصاتی که برای خریدار بیان می‌کند، به او بفروشد.
- ۳- کسب درآمد از راه قمار، ربا، رشوه، قاچاق، احتکار، همکاری با مراکز فساد، کلاهبرداری، تولید و خرید و فروش مواد مخدر و مانند آن حرام است.
- ۴- هر نوع بازی که به شرط برد و باخت و گرفتن مال از طرف بازنده باشد حرام

۱- نهج البلاغه ترجمه‌ی دکتر علی شبروانی، نامه‌ی ۵۳؛ همچنین برای کسب آگاهی بیشتر در مورد خراج و نحوه‌ی گرفتن آن به نامه‌های ۵۱ و ۶۰ نیز مراجعه کنید.

است. مثلاً اگر در بازی فوتبال، برد و باخت در میان باشد حرام است و پول یا کالایی که از این طریق به دست می‌آید قابل استفاده نیست. البته در شرع مواردی از قبیل تیراندازی استثنا شده که برد و باخت در آن‌ها اشکال ندارد.

۵- اشتغال به غنا و موسیقی مطرب و شنیدن آن و معامله با آن و یاد دادن و یاد گرفتن آن حرام است و درآمد آن قابل استفاده نیست. غنا و موسیقی مطرب آن نوع آواز و موسیقی است که مناسب با مجالس عیش و عشرت و فساد است. گوش دادن به آوازی که غنا نباشد و نیز موسیقی غیر مطرب اشکال ندارد.

۶- اگر انسان چیزی را غصب کند باید به صاحبش برگرداند و اگر آن چیز از بین برود، باید عوض آن را بدهد.

۷- استفاده شخصی از اموال دولتی، برخلاف مقررات است و استفاده کننده ضامن برگرداندن آن می‌باشد و الا مرتکب گناه شده است.

توجه: کسب درآمد از راه حرام و ارتزاق خود و خانواده از آن، آثار بسیار خطرناک در دنیا و آخرت دارد. انجام عباداتی مانند نماز با لباس و در مکانی که از راه حرام تهیه شده باطل است و مورد قبول نیست. تربیت و رشد اخلاقی فرزندان که از درآمد حرام تغذیه می‌کنند بسیار مشکل‌تر و سخت‌تر است؛ به خصوص که اگر این درآمد حرام از دسترنج فقرا، یتیمان و مردم محروم جامعه به دست آمده باشد.

پیامبر اکرم (ص) فرمود:

«کسی که باک نداشته باشد که مال خود را از کجا به دست آورد، خدا هم باک ندارد که او را از کجا وارد دوزخ کند.»^۱

و فرمود:

«هرکس مالی را از راه حرام به دست آورد، اگر آن را صدقه دهد، از او قبول نمی‌شود و اگر بعد از خود باقی گذارد، توشه‌ی راه جهنم او می‌شود.»^۲

۱- احیاء العلوم، غزالی، ج ۲، ص ۸۱

۲- کافی، کتاب تجارت، باب ۱، حدیث ۱



بخش دوم:

ضمیمه‌ی قرآن و تعلیمات دینی (۳)

ویژه‌ی اهل سنت

حکومت اسلامی، پس از رسول خدا (ص)

قرائت و ترجمه

.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....

أَطِيعُوا اللَّهَ
وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ
وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ
فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ
فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ
إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ
وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ
ذَلِكَ خَيْرٌ
وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا

و سرانجامی نیکوتر

نساء، ۵۹

آیا ننگریستی به کسانی که
گمان می کنند که ایمان دارند

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ
يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ ءَامَنُوا

بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ

وَمَا أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ

يُرِيدُونَ أَنْ يُتَحَاكَمُوا

إِلَى الطَّاغُوتِ

وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ

وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ

أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا

می خواهند که داوری ببرند

درحالی که امر یافته اند به او کافر شوند

نساء، ۶۰

تفکر در آیات

در این آیات تفکر کنید و پیام های مربوط به حکومت را استخراج نمایید.

۱-

۲-

۳-

۴-

۵-

۶-

دانستیم که یکی از قلمروهای رسالت پیامبر اکرم (ص) برقراری حکومت و اجرای احکام الهی بود؛ زیرا احکام اجتماعی اسلام و پیاده کردن دستورات الهی بدون تشکیل حکومت امکان پذیر نیست. پیامبر اکرم (ص)، همان طور که وظیفه داشت برای اقامه ی نماز و زکات تلاش کند، وظیفه داشت که «حکومت اسلامی» را تشکیل دهد و اداره ی جامعه را به دست گیرد و میان مسلمانان حکم کند. اکنون، این سؤال پیش می آید که آیا پس از رسول خدا (ص) هم نیازی به حکومت اسلامی

هست و باید ادامه داشته باشد، یا نه؟

پاسخ به این سؤال مثبت است؛ زیرا: دین اسلام آخرین دین الهی و یک دین جاودانه است و احکام آن اختصاص به زمان پیامبر اکرم (ص) ندارد. با رحلت پیامبر اکرم (ص) عده‌ای که به مانعان زکات مشهورند، فکر می‌کردند حکومت فقط برای دوران پیامبر (ص) بوده و دیگر نیازی به انجام احکام اجتماعی اسلام، از جمله زکات نیست؛ بنابراین نیازی به حکومت اسلامی هم نیست.

با تشکیل حکومت اسلامی عزت و سربلندی مسلمانان حفظ می‌شود و مانع تعرض بیگانگان به سرزمین‌های اسلامی می‌گردد.

با تشکیل حکومت اسلامی اهداف متعالی و بلند اسلام، مانند عدالت و حق، ترویج خیر و معروف، جلوگیری از منکرات و بدی‌ها، یاری به مستضعفان، دفاع از سرزمین‌های اسلامی، اجرای احکام قضایی، اقتصادی و سیاسی اسلام ممکن می‌گردد. این یک اصل اساسی و مورد اتفاق پنج مذهب رسمی مسلمانان است که اسلام دارای نوع و شکل حکومت ویژه خود است و هر حکومت دیگری که منطبق با قوانین اسلام تشکیل نشده باشد، واجب‌الاطاعه نیست و نمی‌تواند پیاده‌کننده‌ی احکام اسلام باشد.

علاوه بر این، با تشکیل حکومت اسلامی مهم‌ترین نیاز زندگی اجتماعی انسان‌ها، یعنی برقراری عدالت میسر می‌شود؛ نیازی که عامل اصلی تشکیل حکومت بوده است و از هنگامی که انسان‌ها زندگی اجتماعی را آغاز کرده‌اند، برای رسیدن به آن تلاش کرده‌اند. برقراری عدالت نیازی است که اختصاص به زمان رسول خدا ندارد.

دقت در بُعد اجتماعی و حیات جمعی انسان به‌وضوح نشان می‌دهد که ممکن نیست انسان مانند حیوانات دیگر بتواند به‌صورت انفرادی زندگی کند؛ بلکه نیاز به تعاون و همیاری است که پیوندهای اجتماعی را پدید می‌آورد.

از طرف دیگر، منفعت‌طلبی برخی انسان‌ها، سبب تجاوز به حق و حقوق دیگران می‌شود و کسانی که خود را قوی‌تر از دیگران می‌بینند، در صورتی که متخلق به اخلاق حسنه نباشند، در صدد آن برمی‌آیند که با زور و ظلم به اموال و ثروت دیگران دست‌درازی کنند. به‌دلیل پیدایش این قبیل ظلم‌ها و مزاحمت‌ها که همواره در تاریخ بشر اتفاق افتاده، و نیز نزاع‌ها و درگیری‌ها و هرج‌ومرج‌هایی که به‌دنبال آن‌ها پدید آمده همواره نیاز به قانون و حکومتی که آن قانون را به اجرا درآورد حس می‌شده است.

می‌دانیم که تنها با وضع قوانین نمی‌توان مانع زورگویی و ستم‌ستمرگان و هرج‌ومرج اجتماعی

شد؛ زیرا ستمگران و کسانی که فقط به منافع خود فکر می‌کنند، تنها به آن بخش از قوانین پایبند می‌مانند که منافع آن‌ها را تأمین کند و متضاد با منافعشان نباشد. به همین جهت همواره همراه با مقررات و قوانین اجتماعی باید کسانی باشند که به‌عنوان حاکمان جامعه، قانون را به اجرا درآورند و متخلفان را مجازات کنند و مانع هرج و مرج گردند. ترس از مجازات سبب می‌شود افرادی که خود را هم تربیت نکرده و به زیور اخلاق آراسته نیستند، مقررات اجتماعی را رعایت کنند.

البته جای انکار نیست که ترس از مجازات هم نمی‌تواند مانع جدی در مقابل قانون‌شکنان و متجاوزان باشد و راه تخلف را ببندد؛ زیرا مردمی که نفوذ و قدرت کامل دارند می‌توانند قوانین را به نفع خود وضع کنند یا آن‌ها را مطابق میل خود دست‌کاری نمایند.

بنابراین، قانونی می‌تواند ناسامانی‌های اجتماعی را سامان دهد و عدالت اجتماعی را محقق سازد که از جانب خداوند وضع شده باشد؛ زیرا اولاً او در وضع قوانین هیچ منفعتی برای خود طلب نمی‌کند. ثانیاً عموم انسان‌ها، در اجرای قانون، خود را در برابر خداوند مسئول می‌دانند و به پاداش یا مجازاتی که بر اثر رعایت یا عدم رعایت قانون دریافت خواهند کرد، بیش‌تر توجه می‌نمایند.

امروزه مسلمانان، در صحنه‌ی امور سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با مسائل جدیدی روبه‌رو هستند که بدون وجود حکومت اسلامی، حل آن مسائل امکان‌پذیر نیست. بانکداری، بیمه‌های اجتماعی، پیوند اعضا و خرید و فروش عضو، نحوه‌ی استفاده از رسانه‌های جدید مانند اینترنت، نحوه‌ی ارتباط با کشورهای مختلف و با نظام‌های سیاسی متفاوت، ارتباط با سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد و یونسکو و صدها مسئله‌ی دیگر امروزه پدید آمده که ضرورت تشکیل حکومت اسلامی را بیش از گذشته کرده است؛ حکومتی که رهبران آن بر مبنای اسلام و با استفاده از قرآن و سنت به حل مسائل جدید بپردازند و حکم اسلام را در این مسائل به اجرا درآورند.^۱

۱- بر همین مبنای ایران پس از انقلاب اسلامی، با رأی قاطع مردم در سال ۱۳۵۸، نوع حکومت به شکل جمهوری اسلامی اعلام گردید و زمینه برای اجرای احکام الهی فراهم آمد؛ با توجه به این که مذهب شیعه یکی از پنج مذهب رسمی در میان مسلمانان است، حکومت اسلامی ایران براساس دیدگاه‌های کلامی و فقهی شیعه تشکیل شده است که روابطی بسیار عالی و وسیع با مسلمانان سایر مذاهب در جهان دارد و در بسیاری از کشورها موجب بیداری و دلگرمی شده و ایده‌ی تشکیل حکومت اسلامی و دوری از حکومت‌های طاغوتی و مبارزه با استعمارگران و مستکبران را گسترش داده است. مبانی حکومت اسلامی در مذاهب پنج‌گانه، بسیار به یکدیگر نزدیک است و در جزئیات، تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود. لذا اگر در برخی تعبیرات این کتاب ضمیمه تفاوتی مشاهده می‌شود، در جزئیات، و بنابر تعبیرات و دیدگاه‌های کلامی و فقهی اهل سنت است و چون در قانون اساسی حقوق مذهب اهل سنت محترم شمرده شده، در بخش آموزش نیز، طرح دیدگاه‌های کلامی و فقهی ویژه‌ی دانش‌آموزان اهل سنت فراهم آمده است. همین امر موجب اتحاد بیش‌تر و همدلی اهل سنت با برادران شیعی شده است تا همه در کنار هم و با برنامه‌ریزی نظام اسلامی برای عزت و سربلندی ایران اسلامی و اعتلای اسلام در جهان عمل نمایند.

نمونه یابی

برخی از مسائل جدید در دنیای امروز را که در گذشته مطرح نبوده و نیازمند به دست آوردن پاسخ آن‌ها از قرآن کریم و سنت است، نام ببرید و راه‌حل‌هایی را که به نظر شما می‌رسد، در کلاس ارائه دهید.

خلافت و امامت

خلافت به معنای جانشینی و امامت به معنای رهبری و پیشوایی است. همان‌طور که گفتیم، حکومت اسلامی اختصاصی به زمان رسول خدا (ص) ندارد و پس از ایشان نیز ادامه می‌یابد. کسی که پس از رسول خدا (ص) عهده دار حکومت اسلامی می‌شود، «خلیفه» نام دارد؛ زیرا چنین شخصی جانشین رسول خدا (ص) است و پس از ایشان وظیفه‌ی اجرای احکام الهی در جامعه را برعهده دارد. و از آن‌جا که چنین شخصی رهبری و پیشوایی مردم را برعهده دارد، او را امام نیز می‌خوانند. پیروی و اطاعت از خلیفه بر مردم لازم است. مردم باید فرمان‌ها و دستورات او را تبعیت کنند و در اجرای قوانین الهی یاری‌اش نمایند.

تفکر در آیات

با تفکر در آیات ابتدای درس توضیح دهید که کدام آیه به جانشینی پس از رسول خدا (ص) اشاره دارد و مردم را به چه چیزی فرمان می‌دهد؟

شروط لازم برای خلیفه یا امام

از آن‌جا که جانشینی پیامبر اکرم (ص) و رهبری و اداره‌ی جامعه، مهم‌ترین مسئولیت الهی است، هر کسی توانایی و لیاقت پذیرفتن چنین مسئولیتی را ندارد. کسی باید این مسئولیت را بپذیرد که از شرایط زیر برخوردار باشد:

۱- خلیفه باید مسلمان و مؤمن باشد و غیر مؤمن نباید بر مقدرات مؤمنان سیطره و حکومت داشته باشد.

۲- خلیفه باید مرد باشد؛ زیرا خلافت از کارها و وظایف بسیار شاق و پرخطر است و خداوند کارهای سخت را بر دوش مردان گذاشته و زنان را معاف کرده است.

۳- خلیفه باید عاقل و بالغ باشد؛ زیرا غیرعاقل و غیربالغ را یارای چنین کاری نیست.

۴- خلیفه باید به احکام دین آگاه باشد و بتواند با قدرت اجتهاد و استنباط، احکام دین را از منابع دینی استخراج کند و پاسخ مسائل جدیدی را که در دنیای امروز مطرح می‌شود از کتاب و سنت به دست آورد.

این شرط، لازمه‌ی تحقق حکومت اسلامی است؛ زیرا حکومت اسلامی، آن شکلی از حکومت است که قوانین و احکام اسلامی در آن پیاده شود و حاکم آن مجری احکام الهی باشد. وقتی حاکم می‌تواند مجری احکام الهی باشد، که خود با این احکام آشنایی کافی داشته باشد و هرگاه با مسئله‌ی جدیدی روبه‌رو شود، با استفاده از قدرت اجتهاد و دانش دینی خود، بتواند حکم آن مسئله را به دست آورد و اعلام نماید.

۵- خلیفه باید عادل باشد و براساس عدل و داد بر مردم حکومت کند. او باید آراسته به فرائض و فضائل و مبرّأ از گناه و ردائیل و هر چه که مخلّ مروت است، باشد. عبدالله بن عمر (رضی الله عنه) گوید که: رسول خدا (ص) فرمود: خدای تعالی بزرگوارتر از عدل بر زمین چیزی نیافرید. عدل ترازوی خداست بر زمین و هر کس بدین ترازو دست یازد او را تا بهشت می‌برد.

۶- کفایت: خلیفه باید قادر به رهبری مردم باشد و بتواند سختی‌های اداره‌ی امور را تحمل کند.

۷- سلامت: خلیفه یا امام باید از سلامتی برخوردار باشد و نقصی که مانع انجام وظایف و مسئولیت‌هاست، نداشته باشد.

حاکم اسلامی با از دست دادن هر یک از این شرایط، حق حاکمیت خود را از دست می‌دهد و نمی‌تواند بر مردم حکومت کند؛ مثلاً اگر حاکم عدالت یا کفایت خود را از دست دهد، شرعاً حاکم مسلمانان نیست و حکم او قابل اجرا نمی‌باشد.

تکالیف خلیفه یا امام

خلیفه در برابر امت دو وظیفه و مسئولیت کلی برعهده دارد:

۱- اقامه‌ی اسلام

۲- اداره‌ی امور حکومت در چارچوب اسلام

برای این که خلیفه بتواند این دو مسئولیت مهم را به انجام برساند، باید ویژگی‌ها و خصوصیات‌ی داشته باشد؛ از جمله:

- ۱- با مردم و به خصوص اهل نظر و علم و دانش مشورت کند و از نظرات آن‌ها بهره‌بردار.
- ۲- در میان مردم باشد و مانند آنان زندگی کند.
- ۳- مراقب کارگزاران خود باشد و بر کار آن‌ها نظارت کند.

تکمیل کردن

با دوستان خود مشورت کنید و ویژگی‌های دیگری را که به نظر شما بهتر است حاکم اسلامی داشته باشد مشخص نمایید.

راه انتخاب خلیفه و امام

خلیفه از طرف مردم یا خبرگان مردم که نام دیگر آن شورای حلّ و عقد است، انتخاب می‌گردد. مردم با چنین خلیفه‌ای بیعت می‌کنند و به فرمان‌هایش عمل می‌نمایند. کسی که بدون نظر و رأی شورای امت قدرت را به دست بگیرد، دیگر عنوان خلیفه در مورد او مصداق ندارد، بلکه عناوینی مانند شاه، سلطان و دیکتاتور در مورد او صدق می‌کند. چنین حکومتی هم در اسلام جایگاهی ندارد و از ارزش و اعتبار برخوردار نیست. خلافت، پیش از آن که یک مقام باشد، یک مسئولیت است و کسی که خود طالب آن باشد، اهلیت این کار را ندارد. پیامبر اکرم (ص) فرموده است: «به خدا سوگند، ما کسی را که بر این کار حریص بوده یا درخواست کند، متصدی نخواهیم کرد» و یا فرموده است:

«خائن‌ترین شما پیش ما کسی است که آن (مقام و منصب) را مطالبه نماید.»^۱

اندیشه و تحقیق

۱- در آیه‌ی ۸۳ سوره‌ی نساء تفکر کنید و نکاتی را که درباره‌ی حاکم اسلامی به دست می‌آورد، یادداشت کنید.

۱- صحیح ابو داود

- ۲- از آیه‌های ۱۰۵ سوره‌ی نساء و ۴۸ سوره‌ی مائده چگونه می‌توان بر لزوم تشکیل حکومت اسلامی توسط پیامبر (ص) استدلال کرد؟
- ۳- با تأمل در شروط لازم برای حاکم اسلامی، ویژگی‌های مشترک بین پیامبر، خلیفه و حاکم اسلامی را استخراج کرده، پیرامون هر کدام توضیح مختصری بنویسید.

ویژگی های حکومت اسلامی

در درس گذشته با ضرورت تشکیل حکومت اسلامی پس از پیامبر اکرم (ص) و چگونگی انتخاب جانشین آن حضرت آشنا شدیم. در این درس می خواهیم به شناخت ویژگی ها و خصوصیات حکومت اسلامی بپردازیم و بینیم که این حکومت چه تفاوت هایی با سایر حکومت ها و نظام ها دارد.

قرائت و ترجمه

و کَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا
و این چنین شما را امتی میانه قرار دادیم
لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ
تا بر مردمان گواه باشید
وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا ...
و پیامبر بر شما گواه باشد

بقره، ۱۴۳

وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ
باید از شما مردمی پدید آید
يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ
.....
وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ
.....

وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ

وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

بقره، ۱۰۴

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا

وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ

بعد از این که دلایل روشن برایشان آمد

مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتِ

وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

بقره، ۱۰۵

شورا و مشورت

شورا بر وزن فُعَلِي، اسم مصدر از «تشاور» و از ریشه‌ی «شور» به معنای عسل و یا برداشت عسل از محل آن است. در اصطلاح، به معنای مشورت و اظهارنظر و ابراز عقیده و رأی در کار است. اصل مشورت، یکی از اصول مهم حکومت اسلامی است و قرآن کریم بر آن تأکید کرده و خطاب به پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ

لِنْتَ لَهُمْ

برای ایشان نرم شدی

وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ

و اگر درشتخوی سخت دل بودی

از گرد تو پراکنده می‌شدند

لَا تَفْضُوا مِنْ حَوْلِكَ

فَاعْفُ عَنْهُمْ

وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ

.....

وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ

و کارشان با مشورت میان خودشان باشد

وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ

.....

شوری، ۳۸

اصل شورا، یک اصل ثابت و تغییرناپذیر است اما از نظر وضع ظاهر، پیوسته دگرگون می‌شود و تنها کارداناان و اهل بصیرت مجاز به دادن چنین تغییراتی هستند.

عموم مؤمنان و مسلمانان عضو شورا هستند و در حدود قوانین و مقررات اسلامی طرف مشورت قرار می‌گیرند. اما چون برای همه‌ی مسائل، اجتماع و نظرخواهی همه‌ی مردم ممکن نیست، روش‌های مختلفی برای شورا به کار می‌برند. مثلاً مردم افرادی را که در میان خود به صداقت، امانت‌داری و تقوا و علم مشهورند به عنوان نماینده انتخاب می‌کنند تا در مسائل خاص اظهار نظر نمایند و تصمیم‌گیری کنند. شرط اصلی چنین انتخاب‌هایی آگاهی و آزادی انتخاب‌کنندگان است تا بتوانند بدون اغفال و در آزادی کامل کسی را که تشخیص می‌دهند برای شورا مناسب است، انتخاب کنند. یکی از مهم‌ترین شوراهای شوراها، شورای خبرگان یا «اهل حلّ و عقد» است که درباره‌ی مهم‌ترین مسائل حکومت اسلامی، از جمله تعیین خلیفه و امام اظهار نظر می‌کند و شخصی که دارای شرایط رهبری است، به خلافت برمی‌گزیند.

نمونه‌یابی

امروزه نمونه‌های مختلفی از شورا در کشور ما وجود دارد. چهار مورد از آن‌ها را نام ببرید و توضیح دهید که هر کدام درباره‌ی چه مسائلی مشورت می‌کنند.

یکی از مهم‌ترین انتخاب‌های مردم، انتخاب خلیفه و پیشوای مسلمانان است. چنانچه کسی بدون داشتن شرایط و بدون رأی و نظر شورای منتخب مردم قدرت حکومت را به دست بگیرد، دیگر عنوان خلیفه و پیشوایی مردم در مورد او مصداق ندارد؛ بلکه عناوینی مانند شاه، سلطان، دیکتاتور و مانند آن در مورد او صدق می‌کند که در اسلام جایگاهی ندارد.

حضور مردم

پایه‌های حکومت اسلامی بر پذیرش مردم استوار است. وقتی مردم به دین اسلام و پیامبری پیامبر اکرم (ص) ایمان آوردند، و جامعه‌ی اسلامی تشکیل شد، امکان تشکیل حکومت اسلامی به وجود می‌آید. به همین جهت، لازمه‌ی اقتدار حاکم اسلامی قبول وی از جانب مردم است. در این صورت است که خلیفه و امام می‌تواند برنامه‌های خود را به اجرا درآورد و مردم را در جهت اهداف و برنامه‌هایی که دارد به فعالیت و کار و تلاش تشویق نماید. اگر خلیفه مورد قبول مردم نباشد، حکومت به سمت دیکتاتوری و استبداد حرکت خواهد کرد و از مردم جدا خواهد شد و در مواقع سخت، مردم از آن پشتیبانی نخواهند کرد. به همین جهت باید همواره یک رابطه‌ی عاطفی میان حاکم جامعه‌ی اسلامی و مردم وجود داشته باشد تا مردم حاکم را از خود بدانند و از او حمایت کنند.

تفکر در آیات

در آیه‌ی ۱۵۹ آل عمران بیندیشید و نکاتی را که درباره‌ی رابطه‌ی مردم با رهبر جامعه‌ی اسلامی است، استخراج نمایید.

استقلال سیاسی

حکومت اسلامی رابطه‌ی خود با سایر ملت‌ها و حکومت‌ها را براساس موازین اسلامی تنظیم می‌کند. مطابق با این موازین، به هیچ حکومتی اجازه‌ی نفوذ و دخالت را نمی‌دهد؛ با کشورهایی که روابط عادلانه‌ی متقابل را رعایت کنند، رابطه برقرار می‌کند و در مقابل کشورهایی که بخواهند به سرزمین اسلامی یا منافع آن تجاوز نمایند، سرسختانه و با شجاعت می‌ایستد و مقابله می‌کند.

تفکر در آیات

در آیه‌ی ۱۴۱ سوره‌ی نساء بیندیشید و رهنمود آیه درباره‌ی رابطه‌ی دیگر کشورها را توضیح دهید.

تفاوت حکومت اسلامی با حکومت‌های به سبک غربی

حکومت دموکراتیک یا مردم‌سالار، حکومتی است که در آن خواست اکثریت مردم تعیین‌کننده‌ی شکل نظام و قوانین اساسی جامعه است، نه خواست و اراده‌ی فرد یا گروهی خاص که البته همین ویژگی هم در دنیای کنونی به‌درستی اجرا نمی‌شود. حکومت‌هایی که امروزه به حکومت‌های دموکراتیک شهرت دارند، حکومت اقلیت ثروتمندان و سرمایه‌داران بر اکثریت مردم است. سرمایه‌داران بزرگ در کشورهای غربی، با تکیه بر ثروت عظیم و تبلیغات قوی و نفوذ در ارکان حکومت، افکار مردم را به سوی اهداف و شخصیت‌های موردنظر خود جلب می‌کنند و آرای آن‌ها را به دست می‌آورند.^۱

نظام اسلامی حقیقتاً با خواست اکثریت مردم تشکیل می‌شود. اما این تفاوت مهم را با نظام‌های دموکراتیک دارد که مبنای نظام اسلامی حاکمیت اراده و قانون الهی بر همه‌ی بخش‌های جامعه است. نظام اسلامی زمانی در کشوری استوار می‌شود که اکثریت مردم بپذیرند که زندگی فردی و اجتماعی آن‌ها مطابق با قانون الهی اداره شود. به همین جهت، این نظام، «مردم‌سالاری دینی» نامیده شده است.

دموکراسی‌های رایج در جهان، هدف خود را تأمین خواسته‌های دنیوی مردم قرار داده و نسبت به ارزش‌های الهی بی‌اعتنا هستند و گاهی هم با آن مخالفت دارند. اما هدف اصلی در حکومت اسلامی آن است که با برقراری عدالت اجتماعی، زمینه‌های رشد و تعالی مردم را مهیا کند و ارزش‌های اخلاقی اسلام را گسترش دهد.

رابطه‌ی متقابل مردم با خلیفه‌ی مسلمانان

همان‌طور که نظام اسلامی بدون خواست و پذیرش مردم شکل نمی‌گیرد، بدون دخالت و حمایت مردم نیز تداوم نمی‌یابد. مردم باید برای دوام نظام و رشد و پیشرفت آن در همه‌ی ابعاد زندگی تلاش کنند و با انجام وظیفه‌ی امر به معروف و نهی از منکر و دعوت به خیر، خوبی‌ها را در جامعه گسترش داده و مانع ظهور بدی‌ها و منکرات گردند. آنان حتی وظیفه دارند نسبت به خلیفه و کارگزاران او ناصح باشند و با تذکرات خود آنان را در انجام مسئولیت‌ها یاری کنند و مشاوره‌ی دلسوز برای آنان باشند.

خلیفه و امام مسلمانان نیز باید نسبت به همه‌ی مردم مهربان باشد، راه استبداد را پیش نگیرد، با مسلمانان مشورت کند و بداند که خداوند بر او حاکم و ناظر است. عدل را که مهم‌ترین وظیفه‌ی

۱- برای کسب اطلاعات بیشتر به کتاب «نظم‌های کهنه و نوین جهانی» اثر نوام چامسکی از انتشارات اطلاعات مراجعه

حکومت است در جامعه گسترش دهد و میان مردم بر عدل و داد حاکمیت کند. رضایت عمومی را بر رضایت خواص و نزدیکان ترجیح دهد، با افراد شجاع مشورت کند، نیکوکار را تشویق و بدکار را سرزنش نماید. پاسدار طبقات محروم و مستضعف جامعه باشد، به وضع آنان رسیدگی کند و کارهای فراوان حکومت مانع رسیدگی به آنان نگردد. در مقابل آنان متواضع و فروتن باشد و آنان را نزدیک‌ترین طبقات به خود بداند. در اجرای قوانین و حدود الهی تحت تأثیر هیچ‌کس واقع نشود و با شجاعت دین خدا را در جامعه پیاده کند.

تفکر در آیات

در آیات ابتدای درس بیندیشید و پیام‌هایی را که با موضوعات درس ارتباط دارد، استخراج کنید.

اندیشه و تحقیق

- ۱- تأثیرات شورا در حکومت اسلامی و مسائل امت اسلام را با یکدیگر مقایسه نمایید.
- ۲- تفاوت‌های حکومت اسلامی با حکومت‌های رایج در میان انسان‌ها را از نظر رابطه‌ی متقابل حاکم و مردم را یافته، ویژگی‌های مثبت حکومت اسلامی را در این میان بیان کنید.

خلفای راشدین

در بحث‌های گذشته با ضرورت ادامه یافتن حکومت اسلامی پس از رسول خدا (ص) آشنا شدیم و دانستیم که حکومت اسلامی و رهبری آن دارای ویژگی‌هایی است که آن را از سایر حکومت‌ها متمایز می‌کند. در این درس می‌خواهیم با خلفا و جانشینان رسول خدا (ص) که پس از وی رهبری و پیشوایی جامعه‌ی اسلامی را برعهده گرفتند پیش‌تر آشنا شویم.

۱- حضرت ابوبکر (رضی الله عنه)

عبداللہ بن عثمان (ابوبکر) اولین خلیفه‌ی رسول‌الله بود که پس از رحلت رسول خدا (ص) مردم با او بیعت کردند. وی، قبل از اسلام در میان مردم به راستگویی مشهور بود و پس از ظهور اسلام، پیامبر بزرگوار (ص) به ایشان لقب صدیق داد.

ابوبکر (رض) از قبیله‌ی بنی تمیم است که شاخه‌ای از قبیله‌ی بزرگ قریش می‌باشد. نسبش به مره می‌رسد که جدّ ششم رسول خدا (ص) نیز می‌باشد. اندکی پس از ظهور اسلام به حضور رسول خدا (ص) رسید و رسالت آن حضرت را تصدیق کرد. رسول خدا (ص) به وی فرمود: «انت عتیق اللہ من النار - تو از آتش جهنم مصون هستی». پدرش عثمان که مشهور به «ابوقحافه» بود، در سال فتح مکه مسلمان شد. مادرش ام‌الخیر (سلمی) بنت صخر یکی از زنان اولیه‌ی اسلام است که قبل از هجرت در خانه‌ی ارقم بن ابی ارقم که محلّ اجتماع مسلمانان در مکه بود به دین اسلام مشرف شد. ابوبکر تنها شخصیتی است که خود و پدر و پسر و نوه‌اش محمد بن عبدالرحمن (چهار نسل) همگی از اصحاب رسول‌الله (ص) می‌باشند.

برخی از فضائل حضرت ابوبکر (رضی الله عنه)

۱- ابوبکر (رض) پیش از اسلام نیز به نیکوکاری مشهور بود و به درماندگان و فقیران کمک

می‌کرد. با ظهور اسلام ثروت خود را در راه اعتلای اسلام و آزادی بردگان خرج کرد که از جمله‌ی بردگانی که آزاد کرد می‌توان از بلال حبشی، عابرن فهیره و نیره‌ی ام حبس نام برد.

۲- در میان بزرگسالان مرد، اولین کسی بود که به پیامبر ایمان آورد. از میان زنان حضرت خدیجه و از میان جوانان و نوجوانان حضرت علی (کرم‌الله وجهه) و از میان بردگان زیدبن حارثه اولین اشخاصی هستند که بر همگان در تشرّف به دین اسلام سبقت گرفتند.

۳- یگانه همراه پیامبر (ص) در هجرت از مکه به مدینه بود. برخی نوشته‌اند، پس از آن که رسول‌الله (ص) به مسلمانان اجازه داد تا به شهر مدینه مهاجرت کنند، ابوبکر نیز تصمیم به هجرت گرفت و برای کسب اجازه نزد رسول خدا (ص) آمد. پیامبر (ص) به او فرمود: «لا تعجل لعلّ الله أن يجعل لك رفیقاً - عجله مکن، امید است که خدای تعالی برای تو رفیقی و هم‌سفری قرار دهد» مشیت الهی چنان بود که این رفیق، رسول‌الله (ص) باشد و ابوبکر یار غار او گردد.

۴- بسیار متواضع و زندگی کاملاً بی‌آلایش و بی‌تکلفی داشت و نسبت به خواهش‌های دنیایی بی‌اعتنا بود. در عین تواضع و فروتنی در اجرای احکام و حدود شرعی سخت‌گیر بود و شجاعانه و بی‌پروا عمل می‌کرد.

برخی از اقدامات مهم حضرت ابوبکر (رض) در دوران خلافت

۱- پس از رحلت رسول خدا (ص) دستور داد کاتبان و حافظان وحی، قرآن را که در صفحاتی پراکنده نوشته شده بود، جمع‌آوری کنند و در یک مصحف قرار دهند. این دستور وقتی صادر شد که هفتاد نفر از حافظان قرآن در جنگ با مسیلمه‌ی کذاب به شهادت رسیدند.

۲- سپاه اسامه‌بن زید را که قبل از رحلت رسول خدا (ص) آماده‌ی حرکت به سرحدات روم شده بود، بار دیگر تجهیز کرد و به آن منطقه اعزام نمود.

۳- با پیامبران دروغین و قبایل مشرک و مرتد و فتنه‌جویان که رحلت رسول خدا (ص) را موقعیتی مناسب برای آشوب تشخیص داده بودند، جنگید و به فتنه‌ی آن‌ها خاتمه داد.

۴- پایه‌های دولت اسلامی را تحکیم کرد و قبایل پراکنده را در زیر پرچم پرافتخار اسلام متحد ساخت.

۵- به دستور او لشکر اسلام به فرماندهی خالدبن ولید در یک جهاد آزادیبخش، قسمت زیادی از خاک عراق را آزاد کرد و جزء سرزمین اسلامی نمود. هم‌چنین بخشی از شام را از رومیان گرفت و

به قلمرو اسلام ضمیمه کرد.

۶- کسانی را که مانع زکات بودند و از پرداخت زکات خودداری می کردند، مجبور به پرداخت زکات کرد و حق فقیران و مستمندان و حکومت اسلامی را از آن‌ها گرفت.

ام المؤمنین عایشه می گوید: حضرت ابوبکر (رض) در روز دوشنبه هفتم جمادی الآخر در سال سیزدهم هجری بیمار شد و پانزده روز نتوانست به مسجد برود. تا این که بعد از غروب روز سه شنبه بیست و دوم همان ماه به جوار رحمت حق تعالی پیوست و طبق وصیت خودش او را در حجره‌ی ام المؤمنین عایشه در جنب ضریح منور رسول الله (ص) به خاک سپردند. ایشان دو سال و سه ماه خلافت کرده و در سن ۶۳ سالگی رحلت کرده است. به روایت شیخ سیوطی حضرت ابوبکر (رض) صد و چهل و دو حدیث از پیامبر (ص) نقل کرده است. فردوسی با الهام گرفتن از حدیث نبوی در مدح حضرت ابوبکر صدیق (رض) چنین گفته است.

که خورشید بعد از رسولانِ مه
نتابید بر کس ز بوبکرِ به



از شیوه‌ی زندگی و ویژگی‌های حضرت ابوبکر (رض) چه درس‌هایی می‌توانیم بگیریم؟ چهار مورد آن را با هم فکری با هم‌کلاسی‌هایتان انتخاب کنید.

۲- حضرت عمر (رضی الله عنه)

حضرت عمر (رض) لقبش فاروق (تمیزدهنده‌ی حق از باطل) و کنیه‌اش ابو حفص است. نسب حضرت عمر در کعب بن لوی به پیامبر اکرم (ص) می‌رسد. او سیزده سال پس از تولد رسول خدا (ص) در مکه متولد شده است. در سن بیست و هفت سالگی پس از مسلمان شدن چهل مرد و یازده زن به اسلام مشرف شد.

پیش از اسلام حضرت عمر، پیامبر (ص) دعا نمود و گفت: «اللَّهُمَّ اعِزِّ الْإِسْلَامَ بِأَحَبِّ هَدَّيْنِ الرَّجُلَيْنِ عِنْدَكَ، بِعُمَرِ بْنِ الْخَطَّابِ أَوْ بِعَمْرِو بْنِ هِشَامٍ»؛ یعنی پروردگارا دین اسلام را عزت و تقویت ببخش، با مسلمان شدن یکی از این دو مردی که نزد تو محبوب‌تر باشد، عمر بن خطاب یا عمرو بن هشام (ابو جهل). دعای پیامبر درباره‌ی حضرت عمر مستجاب شد و مسلمان گردید. اما

عمرو بن هشام (ابوجهل) چون روح حق‌پذیری نداشت، با همه‌ی ذکاوتش تا پایان عمر بر کفر و دشمنی با اسلام و مسلمانان باقی ماند و عاقبت در جنگ بدر به قتل رسید.

وقتی که حضرت عمر (رض) در خانه‌ی ارقم بن ابی ارقم مسلمان شد، به پیامبر عرض کرد: ای رسول خدا مگر ما بر دین حق نیستیم؟ پس چرا دین خود را پنهان بداریم؟ بعد از این پیشنهاد، مسلمانان به همراهی عمر در رکاب رسول خدا (ص) از خانه‌ی ارقم به سوی خانه‌ی کعبه آمدند و آشکارا به طواف کعبه و انجام مراسم مذهبی پرداختند. فردوسی در این باره چنین گفته است:

عمر کرد اسلام را آشکار بیاراست گیتی چو باغ بهار

شگفت‌انگیز این که بزرگان و کفار قریش که در اطراف کعبه بودند، به این منظره‌ی باشکوه نگاه می‌کردند، اما با آن همه دشمنی و ستیزی که با پیامبر (ص) و مسلمانان داشتند، جرأت نکردند که در کار آن‌ها دخالت کنند یا اعتراض نمایند.

برخی از فضائل حضرت عمر (رض)

حضرت عمر (رض) فردی شجاع، صریح‌اللهجه، عادل، متواضع و مورد اعتماد مردم بود. از برجستگان کاتبان وحی بود. نسبت به زورگویان بسیار سخت‌گیر و نسبت به عموم مردم فروتن و متواضع بود. او به مسلمانان دستور داده بود که در هنگام فتح سرزمین‌های کفار، حقوق مردم را رعایت کنند و با آن‌ها با رأفت اسلامی رفتار نمایند. گوستاولوبون مورخ فرانسوی در کتاب «تمدن اسلام» می‌گوید:

«در دنیا فاتحینی مهربان‌تر و عادل‌تر از مسلمانان دیده نشده است. آنان با حسن رفتار و عدالت بی‌سابقه‌ی خود بهتر و بیش‌تر از عملیات نظامی به پیروزی حیرت‌انگیزشان رسیدند...»

حضرت عمر (رض) پانصد و سی و نه حدیث را از پیامبر (ص) نقل کرده است.

حضرت عمر مانند رسول‌الله (ص) و ابوبکر شصت و سه سال زندگی کرد. مدت خلافتش ده سال و شش ماه بود. در صبح روز چهارشنبه بیست و ششم ماه ذی‌الحجه، در هنگامی که در مسجد می‌خواست نماز صبح را به امامت با مسلمانان ادا کند، به‌وسیله‌ی ابولؤلؤ (فیروز) غلام مغیره بن شعبه مورد حمله قرار گرفت و با ضربات شمشیر زهرآگین جراحات شدیدی برداشت. ابولؤلؤ کافر، پس از حمله به حضرت عمر (رض) سیزده نفر از مسلمانان نمازگزار را مجروح ساخت که به قولی سه نفر از آن‌ها شهید شدند.

حضرت عمر (ص) بر اثر جراحات وارده در صبح روز یکشنبه اول ماه محرم سال بیست و سوم

هجری به درجه‌ی شامخ شهادت نایل گردید. جسد او را در جوار ضریح مبارک رسول‌الله (ص) و در کنار قبر ابوبکر صدیق (رض) به خاک سپردند. بدین گونه اولین ترور در اسلام با شهادت خلیفه رسول‌الله (ص) شکل گرفت.

برخی از اقدامات مهم حضرت عمر (رض)

- ۱- تقسیم قلمرو پهناور اسلام به ۲۳ ایالت و انتخاب بهترین افراد برای تولیت امور ایالت‌ها
- ۲- تأسیس سازمان پلیس که کار افراد آن در شب‌ها حفظ انتظامات و امنیت شهرها و در روز مأمور اجرای احکام قضایی و حدود شرعی بود.
- ۳- تأسیس یک سازمان ساده‌ی گمرک که وظیفه‌اش دریافت ده درصد حقوق گمرکی از تجار خارجی بود.
- ۴- تأسیس دبیرخانه و نظام امور مالی برای ثبت و رسیدگی به امور بیت‌المال و درآمد حقوق‌بگیران.
- ۵- تعیین تاریخ اسلام که پس از مشورت و تبادل نظر، آغاز تاریخ اسلام بر مبنای هجرت رسول‌الله (ص) از مکه به مدینه تعیین گردید.
- ۶- گسترش قلمرو اسلامی به سرزمین‌های ایران و روم شرقی و آزادسازی مردم ستم‌دیده‌ی این دو سرزمین و مسلمان شدن آن‌ها.
- ۷- اجرای عدالت در قلمرو وسیع اسلامی و مبارزه با ستمگران و تعرض‌کنندگان به حقوق مردم.



از شیوه‌ی زندگی و ویژگی‌های حضرت عمر (رض) چه درس‌هایی می‌توانیم بگیریم؟ چهار مورد آن را با هم فکری با هم‌کلاسی‌هایتان انتخاب کنید.

۳- حضرت عثمان (رضی الله عنه)

عثمان بن عفان سومین خلیفه‌ی مسلمانان است که با انتخاب شورای تعیین شده از طرف حضرت عمر (رض) به خلافت رسید و مردم با او بیعت کردند. نسبش در جدّ سوم، به «عبد مناف» می‌رسد که جد پیامبر (ص) نیز می‌باشد. وی از سابقین در اسلام است که بر اثر علم و درایت زیاد با

دیدن پیامبر (ص) و شنیدن آیات الهی شهادتین را بر زبان جاری کرد. پیامبر اکرم (ص) ابتدا دختر خود، «رقیه» را به عقد عثمان درآورد. رقیه هم‌زمان با جنگ بدر فوت کرد. پس از این واقعه، پیامبر (ص) دختر دیگر خود، «ام‌کلثوم» را به عقد او درآورد. به همین سبب او را «عثمان ذی النورین» می‌گفتند. ام‌کلثوم نیز در همان زمان رسول خدا (ص) فوت کرد. آن حضرت فرمود: اگر دختر دیگری می‌داشتم، او را به عقد عثمان درمی‌آوردم. او که از ثروتمندان مکه و فردی معروف و مشهور بود، پس از مسلمان شدن، اموال خود را برای اعتلای اسلام خرج کرد. در ماجرای که منجر به صلح حدیبیه شد، به‌عنوان سفیر پیامبر (ص) نزد مشرکان رفت و خطر مرگ را به جان خرید و مأموریت خود را به نحو احسن انجام داد. آن بزرگوار دو بار مهاجرت کرد، یک بار به حبشه و سپس از آن‌جا به مدینه.

برخی از فضائل حضرت عثمان (رض)

عثمان انسانی خوش‌قیافه و زیبا، همراه با شرم و حیای مخصوص بود. ام‌المؤمنین عایشه (رض) می‌گوید: هنگامی که پیامبر (ص) ام‌کلثوم را به عقد عثمان درآورد، به او گفت: شوهرت از همه کس به جدّ ابراهیم خلیل (ع) و پدرت محمد (ص) شبیه‌تر است. او در میان مردم به کرم و بخشندگی و سخاوت مشهور بود. انسانی بسیار مهربان و فضیلت‌های انسانی در او عیان بود.

حضرت عثمان که مردی تاجرپیشه و ثروتمند بود، در چندین مرحله اموال و دارایی خود را در راه خدا و پیشبرد اهداف مقدس اسلام به مصرف رسانید. از جمله: پرداخت هزینه و سازوبرگ جنگی سپاهیان اسلام در جنگ تبوک، خریداری چاه آب رومه و تعمیر و وقف کردن آن چاه برای مسلمانان، توزیع گندم‌های کاروان تجاری خود در یک سال قحطی در بین فقراى مدینه. حضرت عثمان، نامه‌های رسول خدا (ص) را می‌نوشت.

برخی از اقدامات حضرت عثمان (رض) در دوره‌ی خلافت

- ۱- نشر و تکثیر قرآن کریم: به‌دلیل گسترش اسلام در سرزمین‌های مختلف و نیاز مردم آن مناطق و شهرها به قرآن و فراگیری صحیح آن، به دستور ایشان نسخه‌های زیادی از قرآن که دارای یک رسم‌الخط بود، منتشر کردند و به نقاط مختلف سرزمین‌های اسلامی فرستادند.
- ۲- گسترش سرزمین‌های اسلامی: در زمان ایشان مناطق دیگری از جمله جنوب شرقی و

نواحی شمال از خاک ایران و برخی نواحی تحت تسلط روم توسط مسلمانان فتح شد و جزء قلمرو حکومت اسلامی درآمد و قلمرو اسلامی از شمال آفریقا تا نزدیکی اقیانوس اطلس امتداد یافت.

حضرت عثمان (رض) حدود دوازده سال خلافت کرد. در اواخر خلافت وی، عده‌ای طغیانگر و ناراضی به مدت چهل شبانه‌روز خانه‌ی او را محاصره کردند و تصمیم به قتل آن حضرت گرفتند. روزی که شورشیان می‌خواستند وارد خانه شوند، حضرت علی (کرم‌الله وجهه) و چند نفر دیگر از صحابه و فرزندان خود را به منظور دفاع و محافظت از آن حضرت به سوی خانه او اعزام کردند. در این هنگام شورشیان هجوم آورده و شروع به سنگ‌پرانی و تیراندازی کردند که در این درگیری، صورت حضرت حسن مجتبی (رض) مجروح گردید و سر قنبر، غلام حضرت علی (کرم‌الله وجهه) شکسته شد و محمدبن طلحه جراحات برداشت. سرانجام شورشیان وارد خانه‌ی حضرت عثمان (رض) شدند و به او که در حال خواندن قرآن بود، هجوم آوردند. یکی از شورشیان، ضربتی بر سر حضرت عثمان (رض) فرود آورد و با شکستن سر او خونس بر روی آیه‌های قرآن جاری شد. حمله و تهاجم از سوی شورشیان ادامه یافت تا این‌که رهبر مسلمانان به شهادت رسید.

بدین‌گونه در روز جمعه هجدهم ماه ذی‌الحجه سال سی و پنج هجری حضرت عثمان (رض) شهید شد و پس از آن نزاع و کشمکش داخلی و قتل و برادرکشی در میان مسلمانان آغاز گردید. او یکصد و چهل و شش حدیث از پیامبر (ص) نقل کرده است.

درس آموزی

در شیوه‌ی زندگی و ویژگی‌های اخلاقی حضرت عثمان (رض) تفکر کنید و بگویید چه درس‌هایی برای زندگی امروز خود می‌توانیم بگیریم.

۴- حضرت علی (کَرَمَ اللّٰهُ وَجْهَهُ)

حضرت علی بن ابی طالب پسرعمو و داماد پیامبر (ص) است. از القابش اسدالله و مرتضی و کنیه‌اش ابوالحسن و ابوتراب است. مادرش فاطمه دختر اسد از بنی‌هاشم است. به روایت ابن‌کثیر ده سال قبل از بعثت، در مکه‌ی معظّمه چشم به جهان گشود و در کودکی تحت سرپرستی و تربیت پیامبر (ص) قرار گرفت. با شروع بعثت، در ده سالگی به پیامبر (ص) ایمان آورد. خودش می‌گوید: هنگامی که جبرئیل بر پیامبر (ص) نازل شد و پیام خداوند درباره‌ی رسالت را به ایشان ابلاغ کرد وی

در کنار پیامبر (ص) حضور داشته است. او از همان جوانی تا پایان عمر در راه اعتلای اسلام تلاش کرد. در هنگام هجرت رسول الله (ص) در بستر پیامبر خوابید تا مشرکانی که خانه‌ی پیامبر را محاصره کرده بودند، از خروج پیامبر خدا (ص) آگاه نشوند و در صورتی که به خانه‌ی آن حضرت هجوم برند، به ایشان آسیبی نرسد. در جنگ بدر، شجاعت بی نظیری از خود نشان داد و بر ولیدبن عتبه که جنگاوری مشهور بود پیروز شد. در جنگ خندق که مشرکان، مدینه را به محاصره درآورده بودند، در نبردی با پهلوان کم نظیر عرب، عمروبن عبدود را از پای درآورد و موجب رعب و وحشت دشمنان و بازگشت آن‌ها به مکه شد. در جنگ خیبر، فرماندهی سپاه مسلمانان را برعهده گرفت، قلعه‌ی خیبر را فتح کرد و یهودیان خیبر را شکست داد.

در ۲۵ سالگی با حضرت فاطمه‌ی زهرا (س) دختر پیامبر (ص) ازدواج کرد. ثمره‌ی این ازدواج حضرت حسن (رض) و حضرت حسین (رض) و زینب و ام‌کلثوم بود.

پس از شهادت حضرت عثمان (رض)، مردم از مهاجر و انصار اجتماع نموده و به حضرت علی (کرم‌الله وجهه) پیشنهاد بیعت دادند. آن حضرت از پذیرش مقام خلافت سر باز زد. اما مسلمانان دست برنداشته و با اصرار و پافشاری با او بیعت کردند و در آن موقع، هیچ‌کس با خلافت او مخالفت نکرد. او در اولین خطبه‌ی خود بعد از رسیدن به خلافت، روش خود را معین کرد و دفاع از اموال عمومی و مساوات و برابری را شعار خود قرار داد. پس از آن، به تدریج فتنه‌ها شروع شد و دوران خلافتش با سرکوبی فتنه‌های داخلی سپری شد. او برای نجات اسلام از فتنه‌ها و نافرمانی‌ها مجاهده‌های زیادی کرد تا سرانجام به وسیله‌ی یکی از گروه‌های فتنه‌گر، یعنی خوارج، در شب جمعه، هفدهم ماه رمضان سال چهارم هجری در هنگام ادای نماز صبح و به دست ابن‌ملجم در مسجد کوفه، فرق سرش شکافته شد و در نوزدهم ماه رمضان به شهادت رسید و در نجف اشرف به خاک سپرده شد.^۱ وی در هنگام شهادت ۶۳ سال عمر داشت.

۱- بنا به روایت مورخان شیعه هنگام سحر روز نوزدهم رمضان مجروح و در روز بیست و یکم شهید شد.

برخی از خصائل حضرت علی (کرم الله وجهه)

- ۱- شجاعت حضرت علی بی نظیر بود و در بسیاری از غزوه‌ها سبب پیروزی اسلام گردید.
- ۲- حضرت علی در علوم و معارف الهی بی نظیر بود. رسول الله (ص) درباره‌ی وی فرمود: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيُّ بَابُهَا - من شهر علم هستم و علی دروازه‌ی آن است». کتاب نهج البلاغه که بخشی از خطبه‌ها و نامه‌ها و کلمات اوست، نشان‌دهنده‌ی علم وی در شناخت خداوند، جهان هستی، تفسیر قرآن، تاریخ، سیاست، قضاوت اسلامی و سایر معارف دینی است.
- ۳- در فصاحت و بلاغت بی نظیر بود به طوری که بزرگان شعر و ادب عرب در طول تاریخ اسلام تلاش می‌کردند خطبه‌های او را حفظ کنند و در گفته‌های خود استفاده نمایند. کتاب نهج البلاغه نشان‌دهنده‌ی این فصاحت و بلاغت است.
- ۴- از زهد و تقوای بسیار بالایی برخوردار بود و دنیاطلبی را به شدت مذمت می‌کرد و دوست می‌داشت که والیان و فرمانداران او نیز اهل زهد و تقوا باشند.
- ۵- در اجرای عدالت بسیار سخت‌گیر بود و در این مورد هرگز کوتاه نمی‌آمد. بسیاری از کسانی که بعدها علیه او فتنه و آشوب راه انداختند، از عدالت‌خواهی او ناراحت شده بودند. حتی برخی گفته‌اند او شهید عدالت‌پیشگی خود شد^۱.

برخی از اقدامات حضرت علی (کرم الله وجهه)

- ۱- مبارزه با فتنه‌ها و آشوب‌های داخلی و تحکیم ارکان حکومت اسلامی و خاموش کردن آشوبی که در پایان خلافت حضرت عثمان (رض) پیش آمده بود.
- ۲- جلوگیری از نفوذ گروه یا افراد خاص در بیت‌المال و حفظ اموال عمومی و تقسیم عادلانه‌ی آن میان مردم.
- ۳- مبارزه با اندیشه‌ها و گروه‌های افراطی مانند خوارج و آگاه‌نمودن مردم از خطرات آن‌ها، تا این که بالاخره به وسیله‌ی همین گروه افراطی و کوته‌فکر به شهادت رسید.
- ۴- ایراد خطبه‌ها و نوشتن نامه‌هایی حاوی معارف اسلامی، شیوه‌ی حکومت‌داری و اخلاق والای انسانی که هم‌اکنون به‌عنوان گنجینه‌ای در اختیار بشریت است. عهدنامه‌ی او به مالک‌اشتر نخعی در هنگام تعیین وی به‌عنوان حاکم مصر، عالی‌ترین شیوه‌ی کشورداری را آموزش می‌دهد که

۱- جرج جرداق مسیحی لبنانی؛ کتاب «الامام علی صوت العدالة الانسانية»

هنوز نیز نظیر ندارد.

حضرت علی (کرم الله وجهه) پانصد و هشتاد و شش حدیث از پیامبر (ص) نقل کرده است.

درس آموزی

در شیوه‌ی زندگی و ویژگی‌های اخلاقی حضرت علی (کرم الله وجهه) تفکر کنید و بگویید چه درس‌هایی برای زندگی امروز خود می‌توانیم بگیریم.

۵- حضرت حسن مجتبی (رضی الله عنه)

حضرت حسن (رض) فرزند ارشد حضرت علی (کرم الله وجهه) و حضرت فاطمه است. کنیه‌اش ابومحمد و لقبش مجتبی است. حضرت حسن (رض) در روز سه‌شنبه پانزدهم ماه مبارک رمضان سال سوم هجرت در مدینه‌ی منوره به دنیا آمد. حضرت حسن (رض) به پیامبر (ص) بسیار شبیه بود و پیامبر (ص) او را به حدی دوست می‌داشت که درباره‌ی او فرموده است: «اللَّهُمَّ إِنِّي أُحِبُّهُ فَأَحِبَّهُ؛ پروردگارا من او را دوست دارم، تو هم او را دوست بدار».

با شهادت حضرت علی (کرم الله وجهه) مردم با حضرت حسن (رض) بیعت کردند و وی به مقام خلافت برگزیده شد. در دوران خلافت او نزاع و آشوب میان مسلمانان گسترش یافته بود. عده‌ای به پشتیبانی از معاویه در شام و مردم کوفه و عراق به طرفداری از حضرت حسن (رض) برخاستند و در سال چهل و یکم هجری در محلی به نام انبار در نزدیکی‌های شط فرات در عراق در مقابل هم صف‌آرایی کردند و نزدیک بود آتش جنگ میان مسلمانان شعله‌ور شود. حضرت حسن به خاطر جلوگیری از جنگ و خونریزی با معاویه صلح کرد با این شرط که معاویه تا زنده است حاکم باشد ولی حق ندارد کسی را به‌عنوان جانشین منصوب کند. بعد از قرارداد آتش‌بس، حضرت حسن (رض) شهر کوفه را ترک نموده و به مدینه‌ی منوره برگشت و در آن‌جا اقامت گزید. حضرت حسن (رض) با توطئه‌ی بدخواهان و ستمگران به شهادت رسید. دوران خلافت ایشان حدود شش ماه بود.

با شهادت حضرت حسن (رض) حکومت و خلافت اسلامی که براساس انتخاب و بیعت مردم با یک مجتهد و فقیه عادل و با تقوا بود، پایان یافت؛ زیرا معاویه پسر خود یزید را که در اخلاق و رفتار نسبتی با اسلام نداشت به‌عنوان ولی عهد منصوب کرد و حکومت به ملوکیت و سلطنت تبدیل گردید و تفرق میان مسلمانان شروع شد.

در سیره‌ی زندگی و اخلاق حضرت حسن (رض) تفکر کنید و درس‌هایی را که می‌توان برای زندگی در دنیای امروز گرفت، بیان نمایید.

اندیشه و تحقیق

- ۱- با دقت در سیره‌ی خلفای راشدین، ویژگی‌های مشترک این خلفا را یافته پیرامون هر ویژگی در حد دو سطر توضیح بنویسید.
- ۲- با دقت در سیره‌ی خلفای راشدین، نقش مردم در خلافت هریک از این خلفا را تحلیل نمایید.

دنیای اسلام پس از خلفای راشدین

با تبدیل نظام خلافت و رهبری اسلامی به ملوکیت و سلطنت، وضع جدیدی در دنیای اسلام پدید آمد و زمینه‌ی تفرّق و تضعیف جامعه‌ی اسلامی فراهم گردید. از طرف دیگر، وسعت زیاد سرزمین‌های اسلامی و پراکندگی جغرافیایی و قومیت‌ها و ملیت‌های گوناگون در حجاز، یمن، ایران، عراق، مصر، روم و بخش‌هایی از اروپا و هند و آفریقا و ظهور مسائل جدید سیاسی، اعتقادی و فقهی، نیز پاسخگویی به این قبیل مسائل را بیش‌تر و ضروری‌تر می‌کرد. وقتی که یزید، برخلاف عهدنامه‌ی معاویه با حضرت حسن (رض) به قدرت رسید، برخی از شخصیت‌های بزرگ مانند امام حسین (رض)، عبدالله پسر حضرت عمر (رض)، عبدالله بن زبیر و عبدالرحمن پسر حضرت ابوبکر (رض)، شدیداً به مخالفت برخاستند؛ زیرا کسی به سلطنت رسیده بود که خود را خلیفه‌ی رسول خدا می‌نامید، اما آشکارا و علنی مرتکب گناہانی چون شرابخواری می‌شد.

قیام امام حسین (رض) منجر به شهادت او و یارانش و اسارت خانواده‌اش گردید. عبدالله بن زبیر نیز قیام کرد و مکه را به تصرف درآورد. اما بعدها در مقابل حجاج بن یوسف که از طرف عبدالملک بن مروان به مکه لشکرکشی کرده بود، شکست خورد و مکه به تصرف حجاج درآمد. بعد از این حوادث، به تدریج حکومت و سلطنت امویان رو به سستی نهاد تا اینکه حکومت به بنی عباس رسید. آنان نیز همان روش حاکمان بنی امیه را ادامه دادند و همین امر، سبب شد تا بسیاری از فقیهان و دانشمندان با آنان مخالفت کنند.

امام ابوحنیفه، پیشوای مذهب حنفی، در اواخر حکومت اموی، از طرف والی عراق برای مقام عالی قضاوت دعوت شد؛ اما او قاطعانه این دعوت را رد کرد و به همین دلیل مورد آزار و اذیت قرار گرفت. در زمان منصور، حاکم عباسی نیز به وزارت دادگستری دعوت شد که آن را نپذیرفت و تا آخر عمر زندانی شد. امام مالک نیز به خاطر اعتراض به برخی حاکمان و والیان مدت‌ها در زندان به سر برد.

امام احمد حنبل در زمان حاکمان عباسی شکنجه شد و به زندان افتاد. امام علی بن الحسین و فرزندان او نیز مورد آزار و اذیت قرار گرفتند، برخی به زندان افتادند و برخی به شهادت رسیدند. البته در میان این حاکمان، کسی مانند عمر بن عبدالعزیز نیز وجود داشت که عدالت‌گری پیشه کرد و به آبادانی کشور پرداخت و حقوق بیت‌المال را مراعات می‌کرد.

در این سال‌ها به تدریج گرایش‌های مختلف و دسته‌جات گوناگونی در جامعه به وجود آمد که به‌طور کلی از سه‌عنوان بیرون نبودند:

۱- فرقه‌ها و احزاب سیاسی که بیش‌تر برای رسیدن به قدرت و حکومت با یکدیگر و با حکومت درگیر بودند.

۲- فرقه‌ها و مذاهب کلامی که در مسائل اعتقادی و فکری با یکدیگر اختلاف داشتند و برای حل مسائل اعتقادی نظرات خاصی ارائه می‌کردند.

۳- مذاهب فقهی که هرکدام برای به‌دست‌آوردن احکام شرعی روش‌های خاصی داشتند و پیروان خود را به آن دعوت می‌کردند.

بررسی

* درباره‌ی حاکمان بنی‌امیه و بنی‌عباس تحقیق کنید و نشان دهید که روش آنان در حکومت‌داری و زندگی، چه شباهت‌ها یا تفاوت‌هایی با خلفای راشدین داشته است.

از آن‌جا که آشنایی با مذاهب فقهی ضرورت بیش‌تری دارد، در این‌جا به‌طور مختصر، به شرح آن‌ها می‌پردازیم.

فقه‌های نخستین

فقیهان کسانی هستند که احکام دینی را با مراجعه به قرآن کریم و سنت نبوی و سایر منابع به‌دست می‌آورند و برای مردم بیان می‌کنند. فقه‌های نخستین، آن دسته از فقیهانی هستند که در قرن اول هجری زندگی می‌کردند. با توجه به این که این دوره، فاصله‌ی زیادی تا زمان پیامبر (ص) نداشت و احتیاجات مسلمانان در احکام زیاد و متنوع نشده بود، این فقیهان برای به‌دست‌آوردن احکام غالباً

فقط به قرآن و احادیث نبوی مراجعه می‌کردند و کم‌تر به اجتهاد عقلی می‌پرداختند. مشهورترین آنان عبداللّه بن مسعود متوفاً به سال ۹۴ یا ۹۹ هجری، سعدبن مسیب متوفاً به سال ۹۳ هجری، عروه بن زبیر متوفاً به سال ۱۰۶ هجری و قاسم بن محمد بن ابی بکر هستند. آنان به‌طور شفاهی مسائل را برای مردم توضیح می‌دادند و از خود نظر خاصی عنوان نمی‌کردند.

فقه‌های طبقه‌ی دوم

در اوایل قرن دوم هجری، تحولات زیادی در علوم اسلامی پدید آمد. این تحول ناشی از ابتلائات و احتیاجات تازه‌ای بود که در زمان ظهور یافته بود و تحقیقات و پاسخ‌های جدیدی را طلب می‌کرد. در این دوره، علوم اسلامی به معنای واقعی آن شکل گرفت؛ یعنی رشته‌های مختلف علمی، مانند تفسیر، فقه، کلام، اصول و فلسفه تأسیس شد و هر دانشمندی در یک یا چند رشته‌ی علمی تخصص داشت. فقیهان، علاوه بر تحقیق در قرآن و حدیث به تحقیقات دیگری نیز دست زدند و از رأی و اجتهاد و قیاس خود سود جستند تا پاسخگوی نیازهای جدید باشند. آنان قواعدی برای تحقیقات فقهی خود وضع کردند که به تدریج کامل شد و «علم اصول فقه» نام گرفت. فقه‌های طبقه‌ی دوم در بلاد مختلف اسلامی پیروانی داشتند که رفته رفته از حدود نیمه‌ی دوم قرن دوم هجری به دو مکتب بزرگ فقهی تقسیم شدند^۱:

۱- مکتب رأی و قیاس به مرکزیت عراق؛ در این مکتب، علاوه بر قرآن و سنت پیامبر (ص)، به رأی و اجتهاد فقیه اهمیت فراوانی داده می‌شد. نماینده‌ی مکتب اهل قیاس و رأی امام ابوحنیفه (رض) بود.

۲- مکتب اهل حدیث به مرکزیت حجاز؛ در این مکتب تأکید زیادی بر ظاهر قرآن و حدیث می‌شد و توجه کم‌تری به رأی و اجتهاد می‌گردید. امام مالک بن انس (رض) از جمله نمایندگان اهل حدیث به‌شمار می‌رود.

ما در این بخش به معرفی دو امام از ائمه چهارگانه‌ی مشهور اهل سنت که پیروان فراوانی در ایران دارند می‌پردازیم.

۱- مکتب فقهی دیگری به نام مکتب فقهی جعفری در مدینه توسط امام جعفر صادق (رض) توسعه و گسترش یافت که مربوط به برادران شیعه است که در جای خود از آن بحث شده است.

امام ابوحنیفه (رض)

نعمان بن ثابت (ابوحنیفه) در سال ۸۰ هجری در کوفه به دنیا آمد و در سال ۱۵۰ هجری، در هفتادسالگی در بغداد درگذشت. از اساتید مشهور او حماد بن ابی سلیمان متوفاً به سال ۱۲۰ هجری است که ۱۸ سال از او فقه و حدیث آموخت. امام ابوحنیفه تا ۴۰ سالگی در بصره در علم کلام^۱ تحقیق و تحصیل می کرد به گونه ای که جزو افراد برجسته و مشهور در آن علم بوده است. او ابتدا علم کلام را بهترین مایه ی علم می دانست، سپس آن را ترک کرده و به فقه پرداخت. او علاوه بر قرآن و احادیث معتبر و موثق، بر اثر نیازهای جدید جامعه، به قیاس که یک روش عقلانی است و منافاتی با دین ندارد، روی آورد. قیاس در فقه، یعنی مقایسه نمودن مسائلی که از نظر حکم و علت مجهول باشد با مسئله ای که از نظر حکم و علت معلوم است؛ مثلاً حکم نوشیدن شراب (انگور) به علت مست کنندگی معلوم است و صراحتاً در قرآن حرام شده است. اما در مورد آب جو و امثال آن در قرآن نامی برده نشده است. مجتهد آب جو را با شراب مقایسه می کند و حکم حرام بودن شراب را به آب جو سرایت می دهد؛ زیرا آب جو نیز مانند شراب حالت مست کنندگی دارد. ابوحنیفه (رض) از قلبی صابر و فکری عمیق بهره ای وافر داشت. در جواب به مسائل شرعی بی باک بود و صریح و روشن پاسخ می داد. در بحث و مناظره چیره دست و فقهی منطقی و کلامی بود.

او شاگردان زیادی تربیت کرد که معروف ترین آن ها عبارت اند از: ابویوسف یعقوب بن ابراهیم، محمد بن شیبانی و زفر بن هزیل تمیمی.

مذهب حنفی دو قرن پس از وفات امام ابوحنیفه رسمیت یافت و در اواخر قرن چهارم و پنجم هجری و پس از آن با حمایت غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان و عثمانی ترویج و تقویت شد.



* در باره ی روزه در مذهب فقهی امام ابوحنیفه تحقیق کنید و واجبات و محرمات روزه را بنا بر این مذهب ذکر نمایید.

۱- علم کلام، علمی است که درباره ی مسائل اعتقادی مانند توحید، معاد و نبوت بحث می کند.

امام محمد بن ادریس شافعی

امام شافعی در عسقلان فلسطین در سال ۱۵۰ هجری به دنیا آمد. در کودکی پدرش را از دست داد و دوساله بود که مادرش او را به مکه برد و ده سال در میان قبیله‌ی هُزلی فصاحت عربی و دیگر فنون زبان را آموخت.

در هفت‌سالگی قرآن را حفظ کرد و مقدمات علوم را نزد مسلم بن خالد مفتی مکه آموخت. در سیزده‌سالگی فقه را در مدینه نزد امام مالک بن انس آغاز کرد و کتاب «الموطأ» او را که در زمینه‌ی حدیث است، حفظ نمود. در ۲۵ سالگی در علم فقه و حدیث به درجه‌ی اجتهاد رسید.

او پس از فوت امام مالک، به سیر در آفاق و انفس پرداخت و از آرا و نظریات اصحاب رأی و حدیث آگاه گشت. در عراق، آرای مکتب حنفی را نزد محمد بن حسن شیبانی آموخت. در سال ۲۰۰ هجری به مصر رفت و چهار سال آخر عمر را در آنجا گذراند و در همانجا وفات یافت.

امام شافعی (رض) فصیح و شیرین سخن می‌گفت و به انواع استدلال ظاهری توانا بود. بسیار مورد وثوق و امانت‌دار و عادل و پارسا بود. از عفت نفس و حسن سیرت بهره‌ی عالی داشت.

فقه شافعی قدر مشترک بین اصحاب حدیث و اصحاب رأی بود و میان آن دو را جمع می‌کرد. پس روش او تلفیقی بود از فقه حجاز و فقه عراق. به همین جهت اصول فقه امام شافعی قرآن، سنت، اجماع و قیاس است.

فقه‌های قبل از شافعی در اصول فقه بحث می‌کردند، ولی قانون کلی و منظمی نداشتند. اما او اصول فقه را تدوین و تنظیم نمود. از این رو، گفته‌اند نسبت شافعی به اصول فقه مانند نسبت ارسطو به منطق است.

او تألیفات زیادی دارد. ابن ندیم حدود ۱۱۰ جلد کتاب و رساله به او نسبت می‌دهد. برخی از کتاب‌های او مانند «المبسوط فی الفقه»، «کتاب الامامه»، «کتاب الرساله»، «احکام القرآن»، «السنن» و «کتاب الأم» از جمله‌ی آثار اوست. «کتاب الأم» در هشت جلد می‌باشد و درباره‌ی فقه است و دایرة‌المعارف فقهی محسوب می‌شود.

یکی از عوامل گسترش مذهب فقهی امام شافعی، شاگردان او بوده است، بیش‌ترین گسترش و اسمیت آن در قرن‌های چهارم و پنجم هجری صورت گرفت. بیش‌تر شافعی مذهب‌ان در عراق، مصر، سوریه، عربستان، شهرهای غربی ایران و شمال افریقا هستند.

از جمله شاگردان برجسته‌ی امام شافعی، امام احمد حنبل است که بعدها خود روش فقهی

مستقلی وضع کرد که مذهب حنبلی نام گرفت.

تَحْقِيقِی

* دربارهی روزه در مذهب فقهی شافعی تحقیق کنید و واجبات و محرمات آن را بنابر این مذهب ذکر نمایید.

به طور خلاصه، در میان اهل سنت چهار مذهب فقهی شکل گرفت که عبارت‌اند از:

۱- مذهب حنفی؛

۲- مذهب مالکی؛

۳- مذهب شافعی؛

۴- مذهب حنبلی.

فقهایی که پس از این بزرگان آمدند، به شکلی تابع یکی از این چهار مذهب فقهی بودند و در همین چارچوب به اجتهاد می‌پرداختند و اکنون نیز فقیهان اهل سنت تابع یکی از همین چهار مذهب هستند.

امت واحدة

قرائت و ترجمه

همانا این امت شما امتی واحد است

.....

مؤمنون، ۵۲

.....

.....

.....

آن گاه که با یکدیگر دشمن بودید
پس میان دل‌های شما پیوند داد
تا به لطف او برادرانِ هم شدید

بقره، ۱۰۳

.....

با یکدیگر ستیزه و کشمکش نکنید
که سست شوید و نیروتان برود

.....

.....

انفال، ۴۶

إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً
وَ أَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ

وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا
وَ لَا تَفَرَّقُوا
وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ
إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً
فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ
فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا...

أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ
وَ لَا تَتَنَازَعُوا
فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ
وَ اصْبِرُوا
إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ

در قرآن کریم برای نام بردن از مسلمانان از نام‌های مختلفی مانند: مؤمنون، مسلمون و اهل ایمان استفاده شده است، ولی در کنار این کلمات برای نام بردن از جماعت اسلامی و پیروان ادیان دیگر کلمه‌ای به کار رفته که بیش از هر چیز مفهوم و ملاک وحدت را دربردارد. کلمه‌ی امت شصت و چهار بار در قرآن تکرار شده است. قرآن، پیروان هر یک از ادیان را یک امت می‌داند و می‌فرماید:

وَلَقَدْ بَعَّنا فِي كُلِّ اُمَّةٍ رَسُوْلًا
ما در هر امتی پیامبری مبعوث کردیم
و یا می‌فرماید:

وَكَذٰلِكَ جَعَلْنَاكُمْ اُمَّةً وَّسَطًا
و این چنین شما را امت میانه قرار دادیم

بقره، ۱۴۳

از این آیات و آیه‌های فراوان دیگری که در قرآن آمده و در آن‌ها کلمه‌ی امت به کار رفته است چنین به دست می‌آید که نه تنها مسلمانان بلکه پیروان هر یک از ادیان، خود یک گروه واحد به نام امت هستند و امت اسلام امتی است واحد و یگانه که بر مبنای پرستش خداوند پایه‌ریزی شده است. کلمه‌ی امت کلمه‌ای پرمعناست. این کلمه در لغت، به معنای اقتدا و پیروی و قصد و رهبری آمده است و در قرآن به معنای جماعت پیرو یک دین و آیین و طریق و مسلک دینی به کار رفته است. در کلمه‌ی امت معنای وحدت مقصد و عقیده و وحدت پیشوا و جهت نهفته است.

اهداف امت اسلامی

الف) فلاح و رستگاری: قرآن کریم می‌فرماید: «وَجَاهِدُوا فِي سَبِيْلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» در راه خدا کوشش کنید باشد که به فلاح و رستگاری برسید. به دنبال بسیاری از فرمان‌های الهی کسب فلاح و رستگاری به عنوان هدف انجام این اعمال آمده است.

ب) ترویج خیر و معروف در جهان و نابودی شر و منکر: آیات فراوانی از قرآن بیان‌کننده‌ی این هدف است، از جمله در سوره‌ی آل عمران می‌فرماید: شما بهترین امت در میان انسان‌ها هستید، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید.

ج) استقرار دین خدا در جهان: در آیه‌ی ۳۳ سوره‌ی توبه آمده است: «خداست که رسول خود را با دین حق و هدایت فرستاد تا او را بر همه‌ی ادیان عالم برتری دهد». برتری دادن دین خدا

بر همه‌ی ادیان، یکی از مهم‌ترین اهداف مسلمانان است.

د) استقرار حاکمیت بندگان صالح خدا در زمین: خداوند در آیه‌ی ۱۰۵ سوره‌ی انبیاء می‌فرماید: «أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» زمین سرانجام به بندگان صالح خدا خواهد رسید. (ه) نجات مستضعفان و محرومان: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» و ما اراده کردیم که بر مستضعفان زمین ممت گذاریم و آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم.

با افزایش آگاهی مسلمانان و بروز حرکت‌های اسلامی در جهان اسلام طی سال‌های اخیر و خطرات بزرگی که جهان اسلام را تهدید می‌کند، تمایل به وحدت اسلامی روزبه‌روز بیش‌تر می‌گردد و متفکران برجسته‌ی مسلمان پیوسته از لزوم وحدت و همبستگی میان مسلمانان سخن می‌گویند و خطرات تفرقه را گوشزد می‌نمایند. در این باره سه نکته برای همه‌ی مسلمانان کاملاً روشن است: اول آن‌که وحدت از ارکان اسلام است؛ دوم آن‌که مجد و عظمت مسلمانان با وحدت به دست می‌آید و سومین نکته آن است که وحدت، قرن‌هاست در میان مسلمانان از بین رفته یا تضعیف شده است. اکنون بیش‌تر گفت‌وگوها و بحث‌ها در زمینه‌ی آن است که وحدت چیست و چگونه می‌توان آن را ایجاد کرد؟

وحدت امت اسلامی

درباره‌ی معنای وحدت اسلامی نظریه‌های مختلفی وجود دارد، در مجموع آن‌چه می‌توان از همه‌ی آن‌ها برداشت کرد آن است که منظور علمای روشنفکر از وحدت آن نیست که از میان مذاهب اسلامی یکی انتخاب شود و سایر مذاهب کنار گذاشته شوند یا آن‌که مذاهب مختلف با یکدیگر ترکیب شوند و مذهب جدیدی ساخته و پرداخته گردد؛ بلکه منظور، اتحاد مسلمانان پیرو مذاهب مختلف – در عین اختلافات مذهبی آنان – در برابر بیگانگان و دشمنان مشترک آن‌هاست. با این اتحاد، هم زمینه تعالی و ترقی امت اسلامی فراهم می‌شود و هم امت اسلامی را در برابر دشمنان حفظ می‌کند.

تفکر در آیات

در آیات ابتدای درس بیندیشید و پیام‌های این آیات را درباره‌ی وحدت امت اسلامی استخراج نمایید.

وحدت در سنت حضرت رسول (ص)

زندگانی و رفتار حضرت رسول (ص) سراسر سرمشق وحدت است. آن حضرت پس از هجرت به مدینه با بستن پیمان برادری (مواخات) میان مسلمانان مدینه که از قبیله‌های مختلف بودند و سال‌ها با همدیگر درگیری و اختلاف داشتند اتحاد و یگانگی را میان آنان برقرار ساخت. ایشان تنها تقوا و ارزش‌های انسانی را معیار برتری و فضیلت می‌دانست. او همواره با برتری طلبی‌های قومی و نژادی و قبیله‌ای به مبارزه برمی‌خاست و می‌فرمود: «لَا فَخْرَ لِعَرَبٍ عَلَى عَجْمٍ وَلَا لِأَبْيَضٍ عَلَى الْأَسْوَدِ»؛ عرب هیچ برتری بر عجم و سفید هیچ برتری بر سیاه ندارد. و در حدیثی از ایشان نقل شده که فرمود: مؤمن برای مؤمن مانند بنایی است که هر قسمت آن، قسمت دیگر را محکم می‌کند و آن‌گاه انگشتان دست‌ها را در میان هم نمود^۱. مسلمانان با استفاده از اتحاد و ایمان توانستند در مدتی بسیار کوتاه امپراتوری عظیم ایران و روم و بخش‌های وسیعی از آفریقا، آسیا و حتی اروپا را به اسلام دعوت کنند و تسخیر نمایند و تمدن بزرگی را بنیان نهادند. این تمدن قرن‌ها برقرار و استوار بود. اما اکنون تفرقه و جدایی و عوامل دیگری که بر سر مسلمانان آمده، قرن‌هاست مسلمانان را تضعیف کرده و آن‌ها را در معرض هجوم بیگانگان قرار داده است. برای آن‌که وظیفه‌ی خود را در این زمینه بهتر درک کنیم، نخست باید بدانیم چه عواملی موجب تقویت وحدت و یگانگی مسلمانان می‌شود تا آن‌ها را تقویت کنیم و چه عواملی پیوند و همبستگی مسلمانان را از میان می‌برد تا با آن‌ها به مبارزه برخیزیم.

عوامل وحدت اسلامی

۱- وحدت عقیده: دانشمندان اسلامی اعتقاد به سه اصل توحید، نبوت و معاد را پایه و اساس مسلمان بودن یک فرد دانسته‌اند. این سه اصل، نزد همه‌ی مذاهب اسلامی مشترک است و اساس اتحاد و همبستگی مذاهب اسلامی را تشکیل می‌دهد. این سه اصل که در قرآن کریم و سنت و سیره‌ی حضرت رسول (ص) نمودار می‌شود، از مسلمانان، یک گروه و جماعت واحد ساخته است.

۲- وحدت در فروع دین: در مجموع مسلمانان در انجام اعمال و فرائض دینی یکسان‌اند. همه‌ی مسلمانان عبادت‌ها و اعمال ضروری دین را می‌پذیرند و انجام می‌دهند. ضروریات دین عبارت‌اند از: نماز، روزه، زکات، حج و جهاد. هیچ یک از مذاهب اسلامی نیست که منکر وجوب

۱- صحیح بخاری، کتاب الأدب، باب فضل تعاون.

یکی از این اعمال باشد. انجام این دستورات دینی توسط همه‌ی مسلمانان یکی از جلوه‌های وحدت میان آنان است. در احادیث، این اعمال از پایه‌های اسلام به شمار آمده است و همه بدان پایبند هستند. اختلاف نظرها در شرایط و آداب این اعمال که در مذاهب اسلامی مورد بحث و گفت‌وگو است و با نظر مجتهدان تعیین می‌گردد، باعث نشده و نمی‌شود که هیچ یک از این مذاهب دیگری را از اسلام خارج بدانند.

۳- وحدت در هدایت و رهبری: آنچه مسلمانان را برای عبادت و انجام دستورات خداوند راهنمایی می‌کند، قرآن و سنت است؛ یعنی فرمان خدا و رسول خدا (ص). در میان مسلمانان کسی وجود ندارد که یکی از این دو را انکار کند. همه‌ی مسلمانان، رهبری شخص رسول اکرم (ص) برای جامعه‌ی اسلامی را پذیرفته‌اند و پس از ایشان نیز به وجود امام و حاکم برای جامعه‌ی اسلامی معتقد می‌باشند تا قوانین اسلامی را اجرا می‌نمایند. در این باره در جای خود توضیح بیش‌تری آمده است.

۴- وحدت هدف و آرمان مشترک: اسلام علاوه بر اصول اعتقادی و عملی، دارای هدف‌هایی است که به صراحت در قرآن و سنت آمده است. داشتن این اهداف مشترک در میان همه‌ی مذاهب مسلمان، آن‌ها را به یکدیگر مربوط می‌کند و از آن‌ها یک گروه واحد می‌سازد.

۵- وحدت در فرهنگ و تمدن: اسلام تنها یک دین نیست؛ بلکه مبنای تمدن پهناوری است که در همه جای دنیا از حجاز تا قلب آفریقا و جنوب هند و چین و شرق دور و جنوب اروپا و بالکان و سبیری گسترش یافته و روزبه‌روز در همه جا در حال پیشروی است.

فرهنگ و تمدن اسلامی، آداب، افکار و روح واحدی است که مسلمانان را جدای از این که از چه فرقه یا نژاد یا مذهبی باشند به یکدیگر پیوند می‌دهد. در این تمدن، علومی مانند ریاضیات، طب، حقوق، شیمی و ... رشد یافته است. مسلمانان همه‌ی دنیا دارای اخلاق و روحیه‌ها و صفات ویژه‌ای هستند که آن‌ها را از دیگران جدا می‌سازد. روحیه‌ی صداقت، همکاری و تعاون، پاکدامنی و عفت، غیرت و سایر صفات اخلاقی که برخاسته از تعالیم قرآن و حضرت رسول (ص) است، کم‌وبیش در میان همه‌ی جماعت‌های اسلامی دیده می‌شود.

نمونه یابی

* شیوه‌ی زندگی مسلمانان و عناصر فرهنگ و تمدن آن‌ها مانند هنر، معماری و پوشش را مورد مطالعه قرار دهید و نمونه‌های دیگری از عوامل وحدت را ذکر کنید.

عوامل وحدت و نحوه‌ی زندگی و رفتار، از مسلمانان جماعتی می‌سازد که قدرتمندی و حیات آن، امروز بیش از هر چیز برای آنان ضروری است. اگر مسلمانان در برخورد با یکدیگر کشمکش‌های فرقه‌ای و مذهبی و قومی خود را رها کنند و پیوند و همبستگی میان خود را حفظ کنند می‌توانند تمدن از دست رفته‌ی خود را دوباره احیا کنند و در مقابل هجوم گسترده و بی‌امان غرب که خواستار نابودی همه چیز ماست ایستادگی نمایند.

تقویت عوامل وحدت و پرهیز از کارهای تفرقه‌ساز، امروزه به یک وظیفه‌ی دینی برای هر مسلمان تبدیل شده است که شناخت و درک این عوامل را برای هر کس ضروری می‌سازد.

زمینه‌های جدایی

یکی از زمینه‌های مهم برای رشد تفرقه‌ی مسلمانان، تفاوت‌های مذهبی و قومی و فرقه‌ای است. این تفاوت‌ها در طول سالیان دراز مسلمانان را به گروه‌های مختلف تقسیم کرده است. پیروان این گروه‌ها همه مسلمان‌اند و اگر خود نیز در میان خود نسبت به مسلمان بودن دیگری تردید داشته باشند، اما دشمنان همه‌ی آن‌ها را مسلمان می‌دانند و با همه مبارزه می‌کنند. در ارتباط هر مسلمان با دیگری، مهم نیست که او در عقیده یا مذهب خود پیرو کدام گروه است. آن چه مهم است آن است که هر یک از گروه‌ها و فرقه‌ها و مذاهب نباید دیگری را کافر و خارج از دین بدانند. مسلمان کسی است که به سه اصل توحید، نبوت و معاد عقیده داشته باشد و ضروریات دین را انکار نکند و به آن‌ها عمل نماید. این مطلب در بیانات حضرت رسول (ص) انعکاس یافته است. ایشان می‌فرماید: «مَنْ شَهِدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اسْتَقْبَلَ قِبَلَتَنَا وَ صَلَّى صَلَاتَنَا وَ أَكَلَ ذَبِيحَتَنَا فَذَاكَ الْمُسْلِمُ لَهُ مَا لِلْمُسْلِمِ وَ عَلَيْهِ مَا عَلَى الْمُسْلِمِ»؛ یعنی هر کس شهادت دهد که خدا یکی است و به طرف قبله‌ی ما رو کند و نماز ما را به جا آورد و از گوشت ذبح شده‌ی ما بخورد او مسلمان است؛ برای او است آن چه برای مسلمان است؛ و علیه اوست آن چه علیه مسلمان است.

رؤسای مذاهب نیز در کنار اختلاف‌های فقهی و عقیدتی که با دیگران داشتند، گروه‌های دیگر را کافر نمی‌شمردند. امام اعظم ابوحنیفه می‌فرمود: «لَا نُكْفِرُ أَحَدًا مِنْ أَهْلِ الْقِبْلَةِ»؛ یعنی ما هیچ‌یک از اهل قبله را کافر نمی‌دانیم.

جهل

جهل و نادانی یکی از ریشه‌های اختلاف مسلمانان است. جهل مسلمانان نسبت به موقعیت خود و جهل نسبت به اعتقادات یکدیگر موجب پندارهای نادرست و دشمنی و تهمت به یکدیگر می‌گردد. برای پرهیز از این موضوع باید به نکاتی توجه کنیم، از جمله آن که: برای به‌دست آوردن نظرات پیروان هر مذهب باید به کتاب‌های معتبر و علمای آن‌ها مراجعه کرد و نباید شایعه‌ها، سخنان مردم یا نحوه‌ی رفتار پیروان هر مذهب را معیار قرار داد. حتی برای به‌دست آوردن نظرات هر مذهب یا گروه اسلامی نمی‌توان به نظر یک یا چند نفر از عالمان آن‌ها اکتفا کرد. چه بسا نظر یک عالم مذهبی یا نویسنده در میان پیروان آن مذهب، طرفدارانی اندک داشته باشد. در چنین مواردی باید نظر اکثریت و اجماع دانشمندان را به دست آورد که این کار نیازمند تحقیق وسیع‌تری است.

هم‌چنین نمی‌توان رفتار پیروان یک گروه را دلیل بر قبول یا ردّ آنان دانست. چه بسیارند کسانی که رفتاری برخلاف گفته‌ی پیشوایان خود داشته باشند و رفتار تفرقه‌انگیز انجام دهند.

لقب‌ها و صفات ناپسند

از جمله رفتار غلطی که در گذشته وجود داشت؛ نامگذاری‌ها و نسبت دادن لقب‌ها و صفات ناپسند به دیگری است. این کار در افروختن آتش دشمنی و کینه و نفرت میان مسلمانان تأثیر زیادی داشته و دارد. برای نمونه، در گذشته گروهی بوده‌اند که به حضرت علی (ع) توهین می‌کرده‌اند و به آن‌ها نَوَاصِب (جمع ناصبی) می‌گفتند؛ در مقابل، گروهی دیگر ایشان را در حدّ حضرت رسول یا خدا بالا می‌بردند. این گروه را غُلَاة (جمع غالی) می‌خواندند. از آن پس کلمه‌ی ناصبی یا غالی بدون توجه به معنای آن در میان شیعه و سنی و در کتاب‌ها نسبت به یکدیگر تکرار شده است. باید دانست همان‌طور که عقیده‌ی نواصب ربطی به اهل سنت ندارد عقیده‌ی غلّاة هم ربطی به شیعیان ندارد. امروز باید از نسبت‌دادن این صفات و نام‌ها به یکدیگر خودداری کرد و از هر‌گروه با همان نامی که مورد علاقه‌ی آن‌هاست نام برد و به بزرگان هر مذهبی احترام گذاشت.

رد و بدل کردن لقب‌های ناپسند، تحقیر کردن، مسخره کردن، توهین به دیگری راهی است که پایان آن جز انحطاط و بدبختی مسلمانان نخواهد بود و هیچ چیزی را تغییر نخواهد داد.

بررسی

* درباره‌ی شیوه‌ی عمل کشورهای استکباری مانند آمریکا و رژیم صهیونیستی مطالعه و تحقیق کنید و سپس توضیح دهید که آن‌ها برای تضعیف امت اسلامی و تفرقه‌ی میان آنان چه برنامه‌هایی را دنبال می‌کنند.

اندیشه و تحقیق

با دقت و توجه در مفاهیم «امت اسلامی» و «وحدت»، تأثیر وحدت در دستیابی به اهداف امت اسلامی را بنویسید.

پیشنهاد

طرحی هنری (شعر، داستان، نقاشی) را برای وحدت امت اسلامی تهیه کرده و در کلاس از آن استفاده نمایید.

احکام اسلامی

قرائت و ترجمه

.....
.....
چیزهای پاکیزه را که خدا حلال کرده
و از حد مگذرید
.....
.....
.....
.....
.....
.....

مأده، ۸۷ و ۸۸

آن چه را پیامبر به شما داد بگیرید
و از آن چه شما را بازداشت، دوری کنید
.....
.....

حشر، ۷

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا
لَا تُحَرِّمُوا
طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ
وَلَا تَعْتَدُوا
إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ
وَ كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ
حَلَالًا طَيِّبًا
وَاتَّقُوا اللَّهَ
الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ

... ما ءاتاكم الرسول فخذوه
و ما نهاكم عنه فانتهوا
و اتقوا الله
ان الله شديد العقاب

اجتهاد و تقلید

دین اسلام برنامه‌ی زندگی انسان در ابعاد مختلف فردی، خانوادگی و اجتماعی است و کسانی که از این برنامه پیروی کنند، هم در زندگی شخصی به سعادت می‌رسند و هم در زندگی خانوادگی و هم اجتماعی سعادت‌مند را پدید خواهند آورد. این سعادت هم شامل حیات طیبه‌ی دنیا می‌شود و هم شادکامی جاوید آخرت را در پی دارد.

همان‌طور که در سال‌های قبل گفته شد، این برنامه شامل چهار بخش یا چهار زیر مجموعه است:

- ۱- برنامه‌های مربوط به رابطه‌ی انسان با خدا؛ مانند نماز.
 - ۲- برنامه‌های مربوط به رابطه‌ی انسان با خود؛ مانند نظافت و ورزش.
 - ۳- برنامه‌های مربوط به رابطه‌ی انسان با جامعه؛ مانند انفاق و امر به معروف و نهی از منکر.
 - ۴- برنامه‌های مربوط به رابطه‌ی انسان با طبیعت و نظام خلقت؛ مانند حفظ محیط زیست.
- این برنامه‌ها که همان احکام اسلامی هستند باید از منبع اصیل اسلامی، یعنی کتاب خدا و سنت و سیره‌ی پیامبر اعظم (ص) به دست آیند. از این رو، نیازمند اجتهاد و تحقیق علمی فراوان در کتاب و سنت و آشنایی عمیق با بسیاری از علوم، مانند تفسیر، لغت و اصول می‌باشد.
- «اجتهاد» در لغت به معنای جدّیت و تلاش است، اما در اصطلاح شرعی عبارت است از تلاش برای به دست آوردن و استنباط احکام از روی ادله، مانند قرآن و سنت، و کسی که دارای چنین توانایی است، «مجتهد» نامیده می‌شود.

علما و دانشمندان اسلام گفته‌اند: شخص مجتهد باید بر پنج موضوع آگاهی داشته باشد:

- ۱- علم به کتاب الله (قرآن)؛
- ۲- علم به احادیث و سنت نبوی (ص)؛
- ۳- آگاهی بر اقوال علمای گذشته اعم از اجماع (توافق) علما و اختلاف نظرشان؛
- ۴- آگاهی بر علم لغت؛
- ۵- آگاهی بر قیاس و شرایط آن.

کسانی که خود متخصص در این علوم نیستند و توانایی اجتهاد ندارند، برای به دست آوردن احکام دینی خود به این مجتهدان مراجعه می‌کنند. این کار را «تقلید» می‌گویند و چنین شخصی را «مقلّد» می‌نامند.

باید دانست که تقلید در اصول دین، یعنی توحید و نبوت و معاد، جایز نیست هر کس باید با فکر و نظر خود یکتایی خداوند را بپذیرد و به نبوت اعتقاد داشته باشد و بداند که خداوند در آخرت به اعمال انسان‌ها رسیدگی می‌کند و پاداش و جزا می‌دهد.

اما تقلید در احکام فروع دین، جایز است؛ زیرا هر کسی توانایی این را ندارد که بخش مهمی از زندگی خود را صرف تحقیق و تعلیم کند و به درجه‌ی اجتهاد برسد تا بتواند احکام دینی را به دست آورد. روشن است که این تقلید، با تقلید کورکورانه و بدون مبنای عقلانی، فرق دارد. اسلام، هر نوع عقیده و برنامه‌ای را که بدون دلیل و برهان و تنها بر اساس تقلید کورکورانه پایه‌ریزی شده باشد، مردود می‌شمارد. قرآن کریم در آیات متعددی همگان را دعوت به تفکر و تعقل و تدبر می‌نماید و از تقلید ناآگاهانه منع می‌کند؛ از جمله این که می‌فرماید:

وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ	از آن چیزی که علم نداری دنباله‌روی مکن
إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ
كُلٌّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا
	اسراء، ۳۶

پیروی و تبعیت شخص غیر مجتهد از یک مجتهد و متخصص در احکام دینی یک روش عقلانی است، همان‌طور که مراجعه‌ی یک بیمار که خود در طبابت تخصصی ندارد، به یک پزشک کاری عقلانی محسوب می‌شود.

منابع اجتهاد

فقیهان و مجتهدان در مسیر تفقه و اجتهاد خود و برای به‌دست آوردن احکام الهی از چهار منبع استفاده می‌کنند:

الف — قرآن کریم: کتاب آسمانی ما منبع اصلی دریافت احکام اسلامی است. فقیهان، با مطالعه و تفکر در قرآن کریم، احکام و قوانین و مقررات اسلامی را به‌صورت کلی یا جزئی به‌دست می‌آورند و در اختیار مردم قرار می‌دهند. هیچ‌کس نمی‌تواند قوانینی وضع کند که مخالف با قرآن کریم باشد.

ب — سنت پیامبر اکرم (ص): سنت پیامبر عبارت است از قول و فعل آن حضرت. سخنانی که از آن حضرت در کتاب‌های روایی نقل شده و یا افعال و کارهایی که ایشان انجام داده است، دومین منبع اجتهاد است. البته از آنجا که ممکن است در نقل قول و فعل پیامبر (ص) اشتباهات یا غرض‌ورزی‌هایی صورت گرفته باشد، فقیهان تلاش می‌کنند احادیث موثق را از غیر موثق جدا کنند و به احادیث موثق و قابل اعتماد مراجعه کنند.

ج — اجماع: در اصطلاح علمای اصول، اجماع عبارت است از اتفاق و هماهنگی قولی یا فعلی و یا تقریری مجتهدان پیرامون مسئله‌ای که به حکم آن در قرآن و سنت پیامبر اکرم (ص) اشاره نشده باشد. مجتهدان همان کسانی هستند که قادر به استنباط می‌باشند. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «لَا تَجْتَمِعُ أُمَّتِي عَلَى الضَّلَالِ؛ امت من بر گمراهی اتفاق نظر پیدا نمی‌کنند»^۱ این حدیث صریحاً دال بر عصمت امت است. رسیدن به اجماع در مسائل مهم کشور اسلامی حائز اهمیت فراوان است. اجماع سبب می‌شود:

۱- تفرقه و دو دستگی در میان امت از بین برود؛

۲- باب اجتهاد باز بماند و انتخاب بهترین رأی ممکن گردد؛

۳- راه هرگونه استبداد و دیکتاتوری و سوءاستفاده از قدرت از بین برود.

د — عقل و قیاس: اگر فقیهان نتوانند حکم مسئله‌ای را از قرآن و سنت به‌دست بیاورند، تلاش می‌کنند که با عقل و با استفاده از قیاس که یک روش عقلانی استدلال است، حکم آن مسئله را به‌دست آورند. بدین‌صورت که این مسئله را با مسئله آمده، مقایسه می‌کنند و حکم آن را به‌دست می‌آورند.

مکلف و احکام تکلیفی

مکلف کسی است که بالغ، عاقل، قادر و مختار باشد. چنین کسی موظف است که تکالیف دینی خود را انجام دهد. بنابراین، کودک، دیوانه و افراد مجبور به اعمال غیرحق و افراد ناتوان از قید تکلیف آزادند. احکام تکلیفی پنج نوع است: واجب، مستحب، حرام، مکروه و مباح.

واجب: حکمی است که انجام دادن آن لازم است و دارای ثواب می‌باشد و ترک آن عقاب دارد؛ مانند: وجوب نمازهای پنج‌گانه و روزه‌ی ماه رمضان.

مستحب: حکمی است که انجام دادن آن حتماً لازم نیست اما کاری پسندیده و موجب خشنودی

۱- اصول فقه شافعی، ص ۱۵۸

خدا و رسول، و دارای اجر و پاداش اخروی است و در ترک آن مجازات و کیفری نیست؛ مانند: روزه‌ی عرفه‌ی عید قربان و دست‌گیری از فقرا و مستمندان.

حرام: کاری است که باید آن را ترک کرد و انجام دادن آن عقاب دارد؛ مانند: رباخواری، دزدی، قمار و دروغ.

مکروه: حکمی است که انجام آن عقاب ندارد؛ اما انجام ندادن آن بهتر است؛ مانند: نماز خواندن در حمام، خوردن و آشامیدن در حال راه رفتن.

مباح: حکمی است که انجام دادن و ندادن آن مساوی است؛ مانند: ایستادن و نشستن. عبادات که قسم اول آن از فروع دین است خود شامل پنج نوع می‌باشد، که دو نوع از آن‌ها عبادت بدنی خالص است که آن دو عبارت‌اند از: نماز و روزه. و یکی مالی خالص است (زکات) و دو نوع دیگر از آن‌ها هم عبادت بدنی و هم عبادت مالی است که عبارت‌اند از: فریضه‌ی حج و جهاد. این پنج نوع عبادت در اصطلاح به نام «خمسه‌ی ضروریه‌ی دین» مشهورند.

نمونه یابی

علاوه بر کارهای ذکر شده، نمونه‌های دیگری از اعمال واجب، مستحب، حرام، مکروه و مباح را نام ببرید.

اصل حلیّت

در دین مبین اسلام، اصل و مبنا بر حلال بودن و مباح بودن است و مواردی که حرام‌اند باید دارای دلیلی محکم از قرآن و سنت پیامبر و سایر ادله‌ی فقهی باشند. علمای اسلام اصل «مباح بودن» را از آیات قرآن کریم استنباط کرده‌اند.

قرآن کریم می‌فرماید:

هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ

مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا

بقره، ۲۹

همچنین می‌فرماید :

وَسَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ

وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ...

.....
.....

جائیه، ۱۳

حرام کردن هر عملی فقط از جانب خداست و اگر خداوند کاری را حرام می‌کند، به خاطر ضرر و زبانی است که آن عمل به انسان‌ها می‌رساند، تا انسان‌ها مرتکب آن نشوند و آسیب و زیان روحی یا جسمی نبینند. ممکن است انسان‌ها علت حرام بودن برخی کارها را ندانند و این به سبب دانش ناقص انسان‌هاست. اما خداوند که عالم بر همه‌ی اسرار جهان است، می‌داند که چه کاری به نفع ما و چه کاری به زیان ماست.

توجه داشته باشیم که حلال به اندازه‌ی کافی وجود دارد که ما را از حرام بی‌نیاز کند. حرام، با حیله و دسیسه حلال نمی‌شود و خود آن دسیسه هم حرام است. حسن نیت در یک کاری هم آن را حلال نمی‌کند؛ یعنی کسی نمی‌تواند بگوید من به خاطر فلان خیر این حرام را مرتکب شدم. بنابراین، در حلال و حرام باید کاملاً تابع خداوند بود. رسول اعظم (ص) می‌فرماید :

خداوند چیزهایی را واجب کرده است

آن‌ها را ضایع مکنید

و حد و مرزهایی معین کرده، از آن تجاوز نکنید

و برخی چیزها را حرام کرده

حرمت آن را از بین نبرید

و چیزهایی را مسکوت گذاشته

از جهت رحمت به شما

نه از جهت فراموشی

پس درباره‌ی آن‌ها بحث و جدل نکنید^۱

إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ فَرَائِضَ

فَلَا تُضَيِّعُوهَا

وَ حَدَّ حُدُودًا فَلَا تَعْتَدُوهَا

وَ حَرَّمَ أَشْيَاءَ

فَلَا تَنْتَهِكُوهَا

وَ سَكَتَ عَنِ أَشْيَاءٍ

رَحْمَةً بِكُمْ

غَيْرِ نِسْيَانٍ

فَلَا تَبْحَثُوا عَنْهَا

۱- سنن ابن‌ماجه و ترمذی

تفکر در آیات

در آیات ابتدای درس بیندیشید و پیام‌های آن‌ها را استخراج نمایید.

برخی از امور حرام

یکی از وظایف ما در زندگی، شناخت کارهای حرام است. ما باید در همان سنینی که به تکلیف می‌رسیم، کارهای حرام را شناسایی کنیم و برای دوری از آن‌ها برنامه‌ریزی نماییم. این امر سبب می‌شود که در بزرگسالی نیز به راحتی مرتکب گناه نشویم، برعکس کسی که نسبت به دستورهای خداوند بی‌تفاوت است و به حلال و حرام توجهی ندارد. چنین فردی، هرچه زمان می‌گذرد در باتلاق حرام بیش‌تر فرو می‌رود به گونه‌ای که درآمدن از آن مشکل‌تر می‌گردد. برخی از امور گناه و حرام به شرح زیر است:

- ۱- شرک به خداوند متعال، به هر صورت و شکلی باشد، چه شرک در ذات و چه شرک در افعال و چه شرک در عبادت، حرام است و بزرگ‌ترین گناه محسوب می‌شود.
- ۲- هرگونه گستاخی و بی‌ادبی نسبت به پدر و مادر، حتی به اندازه‌ی گفتن یک «اف» حرام است. خداوند متعال نیکی به والدین را پس از اطاعت و فرمانبرداری از خود واجب کرده و تنها در یک صورت باید از والدین اطاعت نکرد و آن وقتی است که از فرزندان بخواهند مرتکب گناه شوند و به خدا شرک بورزند ولی در هر صورت باید با آن‌ها به نیکی رفتار کرد.

تفکر در آیات

در آیات ۱۴ و ۱۵ سوره‌ی لقمان تفکر کنید و وظایف هر مسلمانی نسبت به پدر و مادر را مشخص نمایید.

- ۳- خداوند در سوره‌ی حجرات به ما دستور می‌دهد که شش عمل را انجام ندهیم:
الف: مسخره کردن؛

ب : عیب‌جویی کردن؛

ج : لقب زشت به دیگران دادن؛

د : سوء‌ظن و بدگمانی نسبت به دیگران؛

هـ : تجسس در احوال دیگران و غیبت کردن.

این محرّمات شش‌گانه سرمنشأ بسیاری از بدی‌های اخلاقی‌اند و جزء زشت‌ترین رذایل اخلاقی

محسوب می‌شوند.

خودکاوی

* در حالات و رفتارهای خود تأمل کنیم و خود را ارزیابی نماییم تا ببینیم نسبت به این گناهان در چه موقعیتی قرار داریم. اگر به آن‌ها تمایل نداریم، خدا را سپاس گفته و برای تقویت بیش‌تر خود در مقابل آن‌ها برنامه‌ریزی کنیم و اگر به برخی از آن‌ها تمایل داریم، برای از بین بردن این تمایل، برنامه‌ریزی و تمرین نماییم.

احکام خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها

خداوند بنابر آیه‌ی ۴ سوره‌ی مائده، هرچیز پاکیزه‌ای را برای انسان حلال شمرده است و به مردم اجازه داده که از آن‌ها بهره ببرند.

در میان خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها، هرچیز زیان‌آوری را حرام کرده است، که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

الف: شراب و هر ماده‌ی مست‌کننده‌ی دیگر؛

ب: گوشت خوک و سگ؛

ج: گوشت مردار؛

د: مواد مخدر از قبیل تریاک، هروئین و ...

مصرف شراب و مواد مخدر موجب زایل شدن عقل و تخریب قوای عقلی و فکری انسان شده و تأثیرات جبران‌ناپذیری بر جسم و روان دارند. خداوند عقل و فطرت انسان را پاک و سالم آفریده و بهترین موهبت خود به انسان قرار داده است و اگر عقلانیت از انسان سلب شود، با سایر حیوان‌ها تفاوتی ندارد. مصرف مواد الکلی خشونت و التهاب ایجاد می‌کند و شخص، در حالت مستی، ممکن است به هر نوع عمل خشونت‌آمیز و تأسف‌بار دست بزند. مصرف تریاک و مواد مشابه فرد را بی‌غیرت، ترسو، بی‌توجه و لال‌بالی می‌کند. بدن او را در مقابل بیماری‌ها چنان تضعیف می‌کند که روزه به روز به کام مرگ نزدیک‌تر می‌شود. اعتیاد به سیگار نیز به دلیل هدر دادن امکانات مادی و تأثیر مخرب آن بر بدن و مقدمه شدن آن برای مصرف مواد مخدر، حرام است.

قمار و شرط‌بندی

یکی از کارهای حرامی که به صراحت در قرآن نهی شده، قمار و شرط‌بندی است. این کار حرام و زیان‌بخش که جز هدر دادن وقت، تخریب اعصاب و وارد کردن زیان مالی و حیثیتی جبران‌ناپذیر، خاصیتی ندارد، متأسفانه هم در قدیم و هم امروزه رواج دارد. امروزه در بسیاری از کشورها، به‌خصوص کشورهای غربی، همان‌طور که شراب‌خانه‌های بزرگ وجود دارد، قمارخانه‌های بزرگی نیز هست. برخی از افراد از این راه ثروت‌های بادآورده به‌دست می‌آورند و برخی نیز همه‌ی زندگی خود را می‌بازند.

این گناه به تدریج روحیه‌ی تلاش و بروز استعدادها را خاموش می‌کند، اراده را ضعیف

می‌نماید و کار و سازندگی را از بین می‌برد. افرادی که به این کار عادت کرده‌اند، معمولاً در عالم رؤیا برای خود کاخ‌های زیبا می‌سازند و وقت و عمر خود را به انتظار برنده شدن از دست می‌دهند. در اسلام، فقط شرط بندی برای مسابقات تیراندازی و اسب‌دوانی و شتردوانی جایز است؛ زیرا این ورزش‌ها، به‌خصوص در گذشته توان جسمی و روحی افراد را بالا می‌برد و آماده دفاع از کشور و دفع خطرها می‌نمود.

نمونه یابی

* برخی شکل‌های قمار و شرط بندی را که در بعضی جاها رواج دارد، معرفی کنید و آثار زیانبار آن‌ها را توضیح دهید.

عادت‌های حرام

امروزه برخی از عادت‌ها در میان برخی از افراد، هرچند اندک، مشاهده می‌شود که با احکام اسلام مخالف و از نظر حکم الهی حرام می‌باشد. خوب است در این جا به ذکر برخی از آن‌ها بپردازیم:

۱- استفاده از طلا برای مردان: می‌دانیم که استفاده از طلا و حریر (لباس ابریشمی) برای مردان حرام، ولی برای زنان حلال می‌باشد. برخی دلایل علمی هم برای این موضوع ذکر شده است. اگر چنین دلایلی هم نبود، حرام شدن آن از جانب خداوند برای مردان، نشانه‌ی زبان چنین کاری است.

امروزه مشاهده می‌کنیم که برخی مردان و جوانان از طلا استفاده می‌کنند و گاهی همین طلا در نماز نیز همراه آن‌هاست که در این صورت هم نماز آن‌ها باطل است و هم به خاطر استفاده از طلا مرتکب گناه شده‌اند. اینان به ویژگی‌های متفاوت مردان و زنان توجه ندارند و به گونه‌های مختلف خود را مشابه زنان می‌سازند؛ درحالی که اولاً استفاده از طلا و حریر و سایر جنبه‌های زینتی و آرایشی برای زنان، به خاطر ویژگی خاص آن‌هاست. ثانیاً همان زنان نیز باید آرایش و زینت خود را در محدوده‌ی خانواده و افراد محرم حفظ کنند و از استفاده‌ی آن در مقابل افراد نامحرم یا در ملاء عام اجتناب کنند. مردانی که به سوی این قبیل آرایش‌ها و زینت‌ها رو می‌آورند و به شکل‌های نامناسبی در جامعه ظاهر می‌شوند، باید به تحلیل عمل خود بپردازند و شخصیت روحی خود را ارزیابی کنند تا متوجه منشأ اشتباه خود شوند.

روشن است که چنین رفتاری نشانه‌ی ترقی و پیشرفت نیست؛ زیرا همان کسانی که عامل پیشرفت

در دنیای امروز بوده‌اند، از فضانوردان گرفته تا سازندگان آبرایانه‌ها تا مخترعین و کاشفان بزرگی چون نیوتن و اینشتین این راه را برای پیشرفت انتخاب نکرده‌اند. آنان به جای توجه به ظاهر و تلاش برای به شکل‌های گوناگون در آوردن خود، با جدیت و تلاش و تحمل رنج و زحمت و بی‌خوابی و دوری از تن‌پروری راه علم و پیشرفت را طی کردند و نام خود را در تاریخ بزرگان خدمت‌کننده به بشریت زنده نگه داشتند.

کسانی از مردان و جوانان که به عادت‌های ناپسندی مانند: استفاده از طلا، آرایش غیرمعمول، پوشیدن لباس‌های نامناسب و تقلید کورکورانه از هر نوع مد می‌پردازند و کار خود را تحت عنوان پیروی از مد توجیه می‌کنند، باید توجه کنند که این قبیل رفتارها به تدریج موجب شکل‌گیری خصلت‌ها و عادت‌های ناپسندی در آن‌ها می‌شود و از طریق آن‌ها به فرزندان‌شان انتقال می‌یابد. متأسفانه برخی از جوانان که دست به چنین کاری می‌زنند، وقتی بزرگسال می‌شوند و تشکیل خانواده می‌دهند، انتظار دارند فرزندان‌شان به شیوه‌ای درست زندگی کنند و از این قبیل عادت‌ها دور باشند. اما باید بدانیم که بهترین راه برای هدایت فرزند، الگوی خوب بودن پدر و مادر برای آن‌هاست.

بررسی

* جامعه‌ی پیرامون خود را بررسی کنید. و وجود برخی از عادت‌های ناپسند را
میان جوانان را مشخص کنید و درباره‌ی علت وجود چنین عادت‌هایی گفت‌وگو نمایید.

۲- عکس‌ها و تصویرهای مبتذل: می‌دانیم که نگاه به تصویر اندام فرد نامحرم حرام است، به خصوص که اگر از روی شهوت باشد یا سبب تحریک شهوت شود. باید توجه کنیم که این عمل از نظر روان‌شناسان به تدریج سبب افسردگی روانی شده و شخص را رنجور و حسرت‌زده می‌کند و تمرکز فکر انسان را از بین برده و مانع تفکر سازنده و خلاق او می‌شود.

امروزه ارتباطات امری اجتناب‌ناپذیر است، به ویژه با پیدایش ابزارهایی مانند ماهواره، اینترنت، تلفن همراه و ... که در ایجاد ارتباطات تسریع کرده‌اند، این رسانه‌ها می‌توانند زمینه‌ساز گسترش علم و فناوری باشند و در حوزه‌های مختلف علمی، اقتصادی، ورزشی، شهرنشینی، پزشکی و سلامت به انسان‌ها خدمت کنند.

اندکی از مردم در نقاط مختلف دنیا هستند که به جای خدمت به انسان‌ها، این ابزار را وسیله‌ی تخریب شخصیت جوانان و سستی و بی‌بندوباری آن‌ها ساخته و از این راه دام‌های فریب خود را پهن

کرده و ثروت‌های بی‌پایانی به چنگ می‌آورند که در این جا فرصت ذکر آن‌ها نیست. گروه‌های بی‌بندوبار در هر جامعه‌ای زمینه‌ی نفوذ آن‌ها را فراهم می‌کنند. برای پیدایش چنین گروه‌هایی است که برخی از قدرت‌ها از رسانه‌هایی مانند اینترنت و ماهواره سوءاستفاده کرده و بی‌بندوباری را گسترش می‌دهند. جوانان عاقل و خردمند هرگز وقت و عمر گرانبها و سرشار از انرژی خود را در تماشای چنین صحنه‌هایی به هدر نمی‌دهند و از دریافت آن همه اطلاعات با ارزش خود را محروم نمی‌سازند.

توجه کنیم که نگاه به نامحرم، در هر صورت، برای کسب لذت حرام است؛ چرا که شخصیت فرد را متزلزل می‌سازد و غیرت او را زیر سؤال می‌برد. انسان‌های ناموس‌دار و غیرتمند نفس خود را مهار می‌کنند و ناموس دیگران را مورد تعرض قرار نمی‌دهند. ناگفته نماند که خداوند اصل نگاه کردن به نامحرمی که حجاب خود را رعایت کرده، منع نمی‌کند؛ زیرا چنین چیزی امکان‌پذیر نیست و او هرگز تکلیف مالایطاق و غیرقابل اجرا نمی‌کند؛ بلکه نگاه از روی شهوت را منع می‌کند و می‌فرماید:

به مردان مؤمن بگو:	قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ
دیدگان خود را فرو دارند	يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ
و اندام جنسی‌شان را از زنا حفظ نمایند	وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ
این برای آنان پاکیزه‌تر است	ذَلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ
و خداوند به کارهایی که می‌کنند آگاه است	إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ
و به زنان مؤمن بگو:	وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ
دیدگان خود را فرو دارند	يَعْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ
اندام جنسی‌شان را از زنا حفظ نمایند	وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ ...

نور، ۳۰ و ۳۱

توجه داشته باشیم که نگاه‌های آلوده اولین قدم برای ورود به مراحل دیگر زشتی‌ها و پلیدی‌هاست. بنابراین، باید خود را از نگاه‌های آلوده حفظ کنیم و خود را در مسیری که دین تعیین کرده قرار دهیم. البته نگاه کردن زن و مرد برای ازدواج و انتخاب یکدیگر ابتدایی‌ترین مرحله است که باید انجام شود و از آن پس سایر مراحل، آن‌گونه که دین فرمان داده، طی می‌شود تا این که زن و مرد ازدواج می‌کنند و زندگی مشترک را آغاز می‌نمایند.

فعالیت‌های اقتصادی

یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های اقتصادی، خرید و فروش است که خداوند آن را حلال کرده و بدان تشویق کرده است. اما ربا را حرام کرده و فرموده:

.....
.....
أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ
وَ حَرَّمَ الرِّبَا.

بقره، ۲۷۵

ربا فعالیت‌های اقتصادی سازنده را از بین می‌برد و افراد فقیر را فقیرتر و گرفتارتر می‌کند. با این که خرید و فروش حلال است، اما هر چیزی را نمی‌توان معامله کرد. خداوند متعال خرید و فروش چیزهایی را که زیان دارند حرام کرده است. به همین جهت خرید و فروش مواد مخدر، مشروبات الکلی، گوشت خوک و مانند آن‌ها، حتی با غیرمسلمان هم حرام است؛ زیرا دین مبین اسلام به کرامت انسان‌ها احترام می‌گذارد و از هر وسیله‌ای برای حفظ کرامت آن‌ها استفاده می‌کند. خداوند متعال روزی‌های حلال موردنیاز ما را آفریده و در طبیعت قرار داده است. لازم است که هرکس با فعالیت و تلاش مثبت و سازنده برای رفع نیاز خود بکوشد و از نعمت‌های الهی و زیبایی‌های طبیعت بهره‌مند شود، به ورزش و تفریح سالم بپردازد، به شهرها و سرزمین‌های دیگر مسافرت کند و از آن درس زندگی بگیرد و تجربه کسب کند. اما هیچ انسانی حق ندارد به حق دیگران تجاوز کند و مانع رشد و شکوفایی مادی و معنوی آن شود و انسان‌های دیگر را استثمار نماید.

تطبیق

در روابط اقتصادی مردم پیرامون خود تحقیق و تفکر کنید و روابط سالم اقتصادی و روابط ناسالم را مشخص نمایید.

تنبلی، سستی و نداشتن فعالیت اقتصادی مفید از خصایص افراد تن‌پرور و بی‌خاصیت است که به چیزی جز بهره‌کشی از دیگران فکر نمی‌کنند. اصولاً اراده‌ی قوی همیشه متعلق به کسانی است که زحمت می‌کشند و تلاش می‌کنند و از دسترنج خود بهره‌مند می‌شوند. البته در همین راه هم باید راه

اعتدال و میانه را طی کرد و از توجه بیش از حد و افراط در کسب درآمد که فرد را به حرص و آز می‌کشاند، دوری کرد؛ زیرا چنین افراطی موجب متزلزل شدن روابط سالم، حتی در کانون گرم خانواده می‌شود.

اندیشه و تحقیق

- ۱- با بررسی درس اول کتاب بنویسید که با احکام اسلامی کدام یک از نیازهای ضروری انسان تأمین می‌گردد؟
- ۲- منابع اصیل احکام اسلام کدام‌اند؟ چرا باید احکام را از این منابع دریافت نمود؟
- ۳- مجتهد در فهم احکام اسلام باید به چه موضوعاتی آگاهی داشته باشد؟ ارتباط هر یک از این موضوعات با فهم دقیق احکام را بنویسید.

آینده‌ی تاریخ

اعتقاد به «موعود» و «منجی» در ادیان الهی و به‌خصوص در اسلام یک اعتقاد عمیق و استوار است. این اعتقاد نشانه‌ی بینش درست ادیان الهی به تاریخ و سرنوشت انسان است و به همین جهت نیازمند بررسی و دقت نظر جدی است. در این درس می‌خواهیم بدانیم: این اعتقاد چه جایگاهی در اندیشه‌ی اسلامی دارد و چگونه زندگی مسلمانان را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟

قرائت و ترجمه

.....	وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ
.....	وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
که آنان را جانشین در زمین قرار دهد	لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ
همان‌طور که قبل از آنان کسانی را جانشین	كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ
قرار داد.	
و برای آنان دینشان را مستقر سازد	وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ
که برای آن‌ها پسندیده است	الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ
و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند	وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا
.....	يَعْبُدُونِي
.....	لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا

وَأُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ

عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ

وَنَجْعَلَهُمْ آيَةً

وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ

و می خواهیم منت نهم

بر کسانی که ناتوان شمرده شده‌اند در زمین

.....

.....

قصص، ۵

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ

مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ

أَنَّ الْأَرْضَ يَرثُهَا

عِبَادِي الصَّالِحُونَ

پس از ذکر (تورات)

.....

.....

.....

انبیاء، ۱۰۵

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ

بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ

لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ

وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

که بر همه‌ی دین‌ها چیره گرداند

.....

.....

.....

توبه، ۳۳

يَرِثُهَا: آن را به ارث می‌برد

كَرِهَ: نخواهد، اکراه داشته باشد

آینده‌ی تاریخ

تاریخ زندگی انسان‌ها صحنه‌ی مبارزه‌ی دائمی حق و باطل بوده است. در جبهه‌ی حق، انسان‌هایی حضور دارند که در راه خداپرستی، عدالت، انسان‌دوستی، آزادگی، فضایل اخلاقی و دفاع از حقوق محرومان و مستضعفان تلاش کرده‌اند و صفحات تاریخ را با جهاد و ایثار خود زیبایی و شکوه بخشیده‌اند. در جبهه‌ی باطل، خودخواهان و خودپرستانی حضور دارند که شرک و کفر و

ستمگری پیشه ساخته و برای رسیدن به خواسته‌های خود، به بهره‌کشی از انسان‌ها و دامن زدن به فساد و بی‌بند و باری پرداخته‌اند. نتیجه‌ی نهایی این مبارزه چیست و پیروزی از آن کدام جبهه خواهد بود؟ جبهه‌ی حق یا جبهه‌ی باطل؟

پاسخ به این سؤال با بیش‌تر انسان دربارہ‌ی جهان ارتباط دارد. آنان که از شناخت آفریننده‌ی جهان در مانده‌اند و اداره‌کننده‌ی مدبر و حکیم برای آن نمی‌شناسند، نمی‌توانند آینده‌ای روشن برای تاریخ انسان تصور کنند.

اما خداپرستان که معتقدند یکی از نام‌های خداوند حق است و اوست که با حکمت خود، جهان را اداره می‌کند، براساس وعده‌ی الهی، باور دارند که آینده‌ی نهایی جهان از آن حق خواهد بود و باطل، شکست خورده و مغلوب، صحنه را ترک خواهد کرد.

تفکر در آیات

در آیات ابتدای درس بیندیشید و ببینید که چه آینده‌ای برای تاریخ انسان پیش‌بینی شده است؟

موعود و منجی در ادیان

پیامبران الهی، برای تحقق وعده‌های الهی، از طرح خاصی برای پایان تاریخ سخن گفته‌اند. آنان می‌گویند که در پایان تاریخ، درحالی که شرایط کاملاً آماده شده است، یک ولی الهی ظهور می‌کند و حکومت جهانی و عادلانه‌ای تشکیل می‌دهد که فقط براساس دین خدا اداره می‌شود.

این عقیده‌ی اصلی پیامبران الهی است اما همان‌طور که قبلاً دیدیم، تعلیمات هر پیامبری پس از وی دستخوش دگرگونی شد. از جمله‌ی این دگرگونی‌ها، اعتقاد خاصی بود که پیروان هر پیامبری دربارہ‌ی ظهور موعود پیدا کردند. با وجود این اعتقادات مختلف، همه در اصل الهی بودن پایان تاریخ و ظهور ولی خدا برای برقراری حکومت جهانی اتفاق نظر دارند.

— یهودیان معتقدند که هنوز «مسیح» و منجی نیامده است، روزی مسیح خواهد آمد و دین حضرت موسی علیه السلام را در جهان گسترش خواهد داد و عدالت را برقرار خواهد کرد.

مسیحیان بر این باورند که حضرت عیسی علیه السلام همان منجی و موعود آخرالزمان است.

آنان در این باره عقیده‌ی یکی از یاران حضرت عیسی علیه السلام به نام پولس را پذیرفته‌اند که می‌گوید :
منجی نهایی جهان حضرت عیسی علیه السلام است. او معتقد بود که حضرت عیسی علیه السلام در شبی که
مأموران حاکم به مخفیگاهش حمله کردند، دستگیر شد؛ روز بعد او را به صلیب کشیدند و کشتند
اما سه روز پس از مرگ، بر صلیب زنده شد و به آسمان رفت. او دوباره ظهور می‌کند و انسان‌ها
را نجات می‌دهد.^۱

در آیین زرتشتی، اعتقاد به سُوشیانت که به معنای منجی و رهاننده است، اعتقاد رایجی است
و در تمام متون زرتشتی به ظهور این موعود بشارت داده شده است.
اعتقاد به منجی در بین پیروان پیامبران، فرصت ارزشمندی برای همکاری میان آن‌ها و تلاش برای
تحقق آرمان‌های بزرگ همه‌ی پیامبران الهی، مانند معنویت، خداپرستی، عدالت، اخلاق و نفی حاکمیت کفر
و ستم بر جهان است. این همکاری سبب نزدیکی و همدلی حق‌طلبان و مانع توطئه‌های ستمگران می‌شود.

موعود در اسلام

در روایات ما آمده است که در آخرالزمان منجی بزرگ انسان‌ها از نسل پیامبر اکرم (ص) ظهور
خواهد کرد و حکومت واحد جهانی را تشکیل خواهد داد. یکی از لقب‌های این موعود «مهدی»
است. بسیاری از علما و محدثین ما در کتاب‌های حدیثی خود بابتی را به این موضوع اختصاص داده
و بعضی نیز کتاب‌های مستقلی در این باب نوشته‌اند. آنان ذکر کرده‌اند که در آینده از خاندان پیامبر
فردی متولد خواهد شد که هم‌نام ایشان است.^۲ او به امر خدا قیام خواهد کرد و زمین را پس از آن
که از ظلم و ستم پرشده باشد، از عدل و داد پر خواهد کرد.^۳

۱- این درحالی است که در انجیل برنابا و انجیل یوحنا ذکر شده که حضرت عیسی علیه السلام از آمدن پیامبری بعد از خود
خبر می‌دهد و او را نجات بخش می‌خواند. قرآن کریم نیز کشتن و به صلیب کشیده شدن حضرت عیسی علیه السلام را به صراحت رد
می‌کند و می‌فرماید که آنان در این مسئله دچار اشتباه شدند (سوره‌ی نساء، آیه ۱۵۷).

۲- برخی از علما و دانشمندان که به این موضوع پرداخته‌اند و می‌توان به آثارشان مراجعه کرد، عبارت‌اند از: سعدالدین
تفتازانی در کتاب شرح المقاصد، ابن حجر هیثمی در کتاب صواعق المحرقة، جلال‌الدین سیوطی در کتاب الحاوی للثاوی، علامه
منادی صاحب فیض‌القدیر، علامه خیرالدین آلوسی در غالب‌المواعظ، شیخ محمد خضر حسین استاد دانشگاه الازهر در مجله‌ی
تمدن اسلامی تحت‌عنوان نگرش بر روایات مربوط به مهدی، کتانی مالکی در کتاب نظم‌المنتائر من‌الحديث المتواتر، عدوی مصری
در کتاب مشارق الانوار، احمد قرمانی دمشقی در کتاب اخبارالدول و آثارالاول و محی‌الدین عربی در الفتوحات‌المکیة.

۳- شیعیان عقیده دارند که حضرت مهدی فرزند امام حسن عسکری است و هم‌اکنون به اذن و قدرت الهی در غیبت به‌سر

پیروان پیامبران الهی چگونه می‌توانند برای فراهم کردن زمینه‌ی ظهور منجی جهانی با یکدیگر همکاری کنند؟ پیشنهادهای خود را عرضه کنید.

جهانی شدن، جهانی سازی و مهدویت

امروزه، با واقعیتی به نام جهانی شدن (Globality) مواجهیم و لازم است رابطه‌ی آن را با موضوع مهدویت بررسی کنیم. جهانی شدن به معنای گسترش ارتباطات میان انسان‌ها و افزایش تأثیر متقابل اقوام، ملت‌ها و کشورها بر یکدیگر است؛ به گونه‌ای که کم‌تر اتفاقی در گوشه‌ای از عالم رخ می‌دهد که مردم دیگر سرزمین‌ها از آن بی‌خبر بمانند و حیات اجتماعی آنان از این اتفاق تأثیر نپذیرد. پیدایش ابزارهای ارتباطی صوتی و تصویری و متنی مانند تلفن ثابت و سیار، رادیو، تلویزیون، ماهواره، اینترنت از یک طرف و وسایل نقلیه‌ی جدید مانند اتومبیل، قطار و هواپیما از طرف دیگر، ارتباط میان انسان‌ها را در نقاط مختلف کره‌ی زمین چنان توسعه داده است که گویی مانند مردم یک دهکده با هم آشنايند. از همین جاست که مفهوم «دهکده‌ی جهانی» (Global village) شکل گرفته است.

این یک واقعیت اجتماعی است که رخ داده است و اکنون ما در چنین جهانی زندگی می‌کنیم. با پدیدار شدن این واقعیت، قدرت‌های بزرگ و سلطه‌گر برنامه‌ریزی کرده‌اند که فرهنگ، اندیشه و آن شیوه‌ی زندگی را که خود می‌پسندند، جهانی کرده و بر سایر مردم تحمیل کنند. این طرح و برنامه را جهانی سازی (Globalisation) می‌نامند. برای رسیدن به این منظور، از امکانات بسیار پیچیده‌ی آشکار و پنهان کمک می‌گیرند. شبکه‌های بزرگ تلویزیونی و رادیویی، ماهواره‌ها، شبکه‌های بسیار زیاد اینترنتی، فیلم‌های سینمایی، کتاب‌ها و نشریات، سازمان‌های گسترده‌ی اطلاعاتی و جاسوسی ابزار گسترش فرهنگ قدرت‌های بزرگ و به‌خصوص آمریکا هستند. پشته‌های این ابزار، قدرت نظامی، سیاسی و اقتصادی آمریکا است که با ایجاد رعب و ترس یا وابستگی و تسلیم‌طلبی یا طمع، زمینه را برای توسعه‌ی فرهنگ، اخلاق و آداب و رسوم آمریکایی آماده می‌کند؛ برای مثال، آمریکا پس از این که افغانستان و عراق را تصرف کرد، ده‌ها شبکه‌ی تلویزیونی به راه انداخت تا فرهنگ و اخلاق خود را بر مردم

مسلمان این دو کشور تحمیل کند.

آنچه در این جا حائز اهمیت و نیازمند روشن بینی است، این است که بدانیم با توجه به قدرت گسترده و پیچیده‌ی ارتباطات، شیوه‌های مدرن تبلیغ، مهم ترین ابزار یکسان سازی فرهنگی است. آن‌ها از یک طرف به شکلی بسیار غیرمستقیم و از زبان ملت‌ها شکاف میان نسل‌ها را چنان بزرگ می‌کنند که نسل جدید احساس کند دیگر نمی‌تواند با فرهنگ خود ارتباط برقرار سازد و از طرف دیگر، عناصر فرهنگ خودی مانند نوع پوشش، سبک معماری، نوع غذا، شیوه‌های معاشرت و حتی ایده‌آل‌ها و آرمان‌های زندگی و به طور کلی شیوه‌ی زندگی خود را در زیباترین قالب‌های ممکن تبلیغی عرضه می‌کنند تا علاوه بر جلب نظر ملت‌ها، اندیشه‌ی آن‌ها را دنباله‌رو خود سازند. در این جاست که ذکاوت و زیرکی ملت ما، به خصوص نسل جوان، باید به کمک ما بیاید تا به جای پیوستن به جهانی سازی تحمیلی، با تکیه بر کرامت و عزت خود و با اعتماد به قدرت ابتکار و خلاقیت و پیشه کردن بردباری و صبر، فرهنگ خود را تعالی بخشیم و در این رقابت جدی و سخت، موفق باشیم.

حال که جهانی شدن ارتباطات و تبدیل جهان به یک دهکده، این فرصت را ایجاد کرده است که افکار و عقاید در میدان جهانی به رقابت برخیزند، کدام عقیده و کدام روش زندگی لیاقت دارد به طور طبیعی مورد پذیرش ملت‌های مختلف قرار گیرد؟ چنین به نظر می‌رسد که عقیده‌ای با شاخصه‌های زیر می‌تواند جهانی شود:

- ۱- با فطرت انسان و ویژگی‌های فطری او سازگار باشد.
- ۲- مبتنی بر عقلانیت و قابل دفاع عقلی باشد.
- ۳- توانایی پاسخ‌گویی به نیازهای اصلی دنیای امروز، مانند عدالت اجتماعی، را دارا باشد.
- ۴- از پشتوانه و تأیید الهی برخوردار باشد.

با تأملی در عقاید اسلام این ویژگی‌ها را در دین اسلام می‌بینیم. با تشکیل حکومت جهانی اسلامی، آرمان والای جامعه‌ی بزرگ بشری و خانواده‌ی انسانی تحقق می‌پذیرد و آرزوی دیرینه‌ی همه‌ی پیامبران و مصلحان و انسان‌دوستان برآورده می‌گردد.

بخش بزرگی از تضادها، ستیزها، استکبارها و استضعافها، در کل جامعه‌ی بشری از حکومت‌های طاغوتی و از درون کاخ‌ها سرچشمه می‌گیرد و به دست این گونه دولت‌ها و حکومت‌ها گسترش می‌یابد. اغلب مردم در همه‌ی جوامع به خیر و نیکی گرایش دارند و نوع دوست و مهربان‌اند و این حکومت‌ها و قدرت‌های فاسد هستند که به کژی‌ها و بدی‌ها دامن می‌زنند و جوامع را به فساد می‌کشانند. آنان برای جذب و جلب منافع بیش‌تر تضاد و درگیری پدید می‌آورند و با تبلیغ، تلقین و اجبار توده‌های نجیب انسانی را به ناسازگاری و تخاصم و امی دارند و رویاروی هم قرار می‌دهند.

در دوران رهبری حضرت مهدی (ع) با ایجاد مدیریت واحد الهی و حاکمیت یگانه‌ی قانون اسلامی، عامل اصلی فساد و تباهی و ظلم نابود می‌شود و انسان‌ها بدون ترس از فشارها برادر و مهربان در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند، کمبودها و عقب‌ماندگی‌ها جبران می‌گردد و امت واحد انسانی شکل می‌گیرد.



معلمان محترم، صاحب نظران، دانش آموزان عزیز و اولیای آنان می توانند نظر اصلاحی خود را در باره ی مطالب

این کتاب از طریق نامه به نشانی تهران - صندوق پستی ۳۶۳ ۱۵۸۵۵ - گروه دومی مربوط و یا پیام نگار Email:

talif@talif.sch.ir ارسال نمایند.

و خبرنامه سریزی و تألیف کتاب به می می